

# بولتن اخبار کارگری

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

جون 2014 - خرداد 1393

شماره 49

[nhkommittehamahangi@gmail.com](mailto:nhkommittehamahangi@gmail.com)  
<http://nahadha.blogspot.com/>  
[boltanxaberi@gmail.com](mailto:boltanxaberi@gmail.com)  
<http://www.youtube.com/user/NahadhayHambastegy>  
<http://iran-worker.blogspot.de/>

## ویژه هفتمین مجمع عمومی

مجمع عمومی حضوری هفتم نهادهای همبستگی در روزهای 24 تا 26 ماه مه 2014 در شهر پاریس برگزار گردید. این مجمع با حضور اکثریت نمایندگان نهادهای همبستگی از کشورهای مختلف و تعدادی از میهمانان با سرود انترناسیونال کار خود را آغاز نمود.

اطلاعیه پایانی هفتمین مجمع عمومی نهادهای همبستگی

پیام به کارگران ایران و جهان

پیام به فعالین کارگری در بند، زندانیان سیاسی و خانواده های آنان

پیام به هیئت تدارک اولین کنفرانس جهانی کارگران اتومبیل سازی

جلوگیری از سفر داود رضوی عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد را

قویا محکوم می کنیم!

برگزاری شب همبستگی با کارگران ایران توسط سندیکاهای سراسری فرانسه



نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران -  
خارج کشور  
Solidarity Committees with the  
Iranian Workers' Movement-  
abroad

# اطلاعیه پایانی

## هفتمین مجمع عمومی

### نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

مجمع عمومی حضوری هفتم نهادهای همبستگی در روزهای 24 تا 26 ماه مه 2014 در شهر پاریس برگزار گردید. این مجمع با حضور اکثریت نمایندگان نهادهای همبستگی از کشورهای مختلف و تعدادی از میهمانان با سرود انترناسیونال کار خود را آغاز نمود.

این نشست با انتخاب یک هیئت رئیسه سه نفره و تصویب دستور جلسه پیشنهادی رسمیت یافت. مجمع به نامه ها و پیامهای رسیده پرداخته و سپس در مورد گزارشات هیئت هماهنگ کننده، گروهها و کمیسیونهای کاری و نهادها که قبلا کتبی برای تمامی اعضا ارسال شده بود به بحث و بررسی پرداخت. مناسبات درونی و آئین نامه نهادها با پیشنهادات رسیده بعد از بحث و تبادل نظر تدقیق و تکمیل گردید.

بررسی کار کمیسیونها و گروههای کاری نهادها، تجارب و مباحث کارگری، کلیپها و بولتن اخبار کارگری مورد بحث قرار گرفت و ضمن ترمیم این گروههای کاری برای پیشبرد بهتر فعالیتها، یک گروه کاری در رابطه با کار کودکان در ایران نیز در دستورکار قرار گرفت.

مجمع عمومی در مورد اوضاع جنبش کارگری، مطالبات و نیازهای عاجل آن به بحث و تبادل نظر پرداخته و وظایف نهادها در قبل آنها را تدقیق نمود. سندی در رابطه با سازمان جهانی کار، اجلاس سالیانه آن و سیاست نهادها در رابطه با این سازمان تهیه و نیز پیامهایی به کارگران ایران و جهان، پیام به کارگران زندانی و زندانیان سیاسی و خانواده آنان، پیام به کنفرانس سالیانه جهانی خودروسازان، پیام به شب همبستگی با کارگران ایران که توسط سندیکاهای کارگری در فرانسه سازماندهی شده است، تهیه و تصویب گردید. همچنین از طریق اطلاعیه سندیکای شرکت واحد مطلع شدیم که از خروج داوود رضوی از ایران به قصد شرکت در شب همبستگی با کارگران ایران در پاریس جلوگیری شده است، مجمع اطلاعیه ای در این مورد منتشر خواهد کرد.

در انتهای جلسه با حضور یکی از رفقای اتحاد بین المللی - پاریس که به نشست مجمع عمومی ما دعوت شده بود ، در باره نزدیکی ها و همکاری های عملی میان دو تشکل ما و اتحاد بین المللی در امر همبستگی با مبارزات طبقه کارگر ایران صورت گرفت که قرار شد این مباحث جهت همکاری ها در آینده و در سطح واحد های کشوری و هیئت هماهنگی های دو تشکل تداوم یابد.

مجمع عمومی در فضایی رفیقانه و پرشور و با انتخاب هیئت هماهنگی دور آتی و نیز تعیین محل مجمع حضوری سال آتی با سرود انترناسیونال در روز 26 مه 2014 به کار خود پایان داد.

## نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

26 مه 2014

[nhkommitttehamahangi@gmail.com](mailto:nhkommitttehamahangi@gmail.com)

<http://nahadha.blogspot.com/>

[boltanxaberi@gmail.com](mailto:boltanxaberi@gmail.com)

<http://www.youtube.com/user/NahadhayHambastegy>



# متشکل شویم، سازماندهی کنیم!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران دفاع از خواسته ها، مبارزات و تشکلات مستقل کارگری در همه اشکال آن را مهمترین وظیفه خود می دانند. انعکاس اخبار و مبارزات کارگری و سایر جنبش های اجتماعی در ایران از دیگر وظایف این نهادها است.

نهادهای همبستگی، در مقابل نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و کلیه نیروهای ارتجاعی و ضد کارگری و عوامل آنها در سطح کشوری و بین المللی مرزبندی قاطع و روشن دارند. افشا و مبارزه بر علیه این نیروهای ارتجاعی و همچنین افشا و جلوگیری از بهره برداری های نیروها و نهادهای راست و امپریالیستی از مبارزات کارگری از جمله دیگر وظایف این نهادها می باشد.

تلاش برای ارتباط گسترده تر جنبش کارگری ایران با جنبش بین المللی کارگری و جلب حمایت و همبستگی وسیعترین نیروهای مترقی بین المللی از جنبش کارگری ایران ، دفاع از مبارزات ضد سرمایه داری و ضد امپریالیستی کارگران و سایر اقشار محروم اجتماعی در سطح جهان و شرکت فعال در این مبارزات و وظیفه نهادهای همبستگی با کارگران ایران است. تبلیغ ضرورت سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی و حاکمیت سرمایه در ایران نیز از جمله وظایف ماست. تبادل نظر و اطلاعات در جهت خدمت به کار مشترک و نیز حفاظت از نهادهای همبستگی کارگری در خارج از کشور به صورت مشترک در برابر دشمنان طبقه کارگر و به ویژه رژیم جمهوری اسلامی از جمله وظایف مشترک ماست. جمع آوری کمک مالی برای تشکلات مستقل کارگری در ایران یکی دیگر از وظایف نهادهای همبستگی با کارگران ایران است.

# پیام به کارگران ایران و جهان

زنان و مردان کارگر و زحمتکش،

هفتمین مجمع عمومی سالانه نهادهای همبستگی در فرانسه (که در روزهای 23-26 ماه مه 2014 برگزار شد) درودهای فراوان خود را به شما عزیزان میفرستد.

گرانی، تورم، کاهش قدرت خرید، حقوق های عقب مانده، اخراجهای گسترده، بیکاری میلیونی، تعطیلی روزافزون واحدهای تولیدی، قربانیان رو به افزایش حوادث محیط کار به خاطر سودجویی هرچه بیشتر سرمایه داران قراردادهای موقتی و پیمانی و حداقل دستمزدها زیر خط فقر شرایط غیر انسانی و غیر قابل تحملی را به کارگران و زحمتکشان تحمیل کرده است. علاوه بر این مصائب که رژیم ضد کارگری حاکم با ارتش و اوباشانش، با زور و چماق روا داشته است، حمله و دستگیری، زندان و شکنجه کارگران و فعالین کارگری را وحشیانه در طول حیاتش بکار می برد. کماکان ده ها فعال کارگری و کارگران مبارز در زندانها بسر میبرند.

فقرو فشارهای محیط کار و اجبار به چند نوبت کار کردن در روز، بسیاری از کارگران را از پا در آورده و یا خانواده هایشان را از هم پاشیده است، زنان کارگر علاوه بر ستم مضاعف، از کمترین دستمزد برخوردار بوده و در عین حال اولین هدف اخراجها هستند. تهاجم به حریم زندگی کارگران مهاجر، بویژه کارگران و زحمتکشان افغانستانی، تجاوز به حقوق کودکان کار و خیابانی، روزانه صدها کودک مدرسه را رها کرده به محیط کار در خیابانها در جستجوی لقمه ای نان روی میآورند، بازنشستگان پس از عمری تلاش و کار، با قطع یا کاهش مستمری و برخی مزایایشان مواجه شده اند، خالی کردن صندوق تامین اجتماعی کارگران، زحمتکشان جامعه، با تعطیلی مدام کارخانجات و سایر ترفندهای سرمایه داران، روزانه خیل عظیمی از کارگران به خیابانها گسیل شده و به صف بیکاران در جستجوی کار میپیوندند، فعالین کارگری دائم تحت نظر و تعقیب بوده و هر روز با شرایط و خطرات بیشتری مواجه هستند، کارگران زندانی اکثراً سرگردان و بلا تکلیف بوده و با وجود مبتلا بودن به انواع بیماریها نه تنها اقدامی برای معالجه آنها نمیشود، بلکه فشارهای جسمی و روانی بیشتری بر آنها وارد میشود.

اعتراضات، مبارزات، اعتصابات، راهپیماییها، تحصنها و سایر اشکال مقاومت و مبارزات شما کارگران، نشانه آن است که تن به این ستم های طبقاتی نداده و برای دفاع از حقوق و کسب مطالبات خود فعالانه پیکار میکنید. تلاش برای ایجاد تشکلهای مستقل کارگری، هماهنگ و همسو کردن مبارزات کارگران در محل کار و بخشهای مختلف، حمایتهای روزافزون از مبارزات همطبقه ای ها در سایر واحدها، شهرها و دیگر کشورها، تلفیق کار علنی و مخفی و ... گامها و اشکال مؤثری از مبارزه است که تداوم آن به تغییر توازن قوا به پیشرفتن هر چه بیشتر جنبش کارگری منجر خواهد شد.

امسال میلیون ها کارگر، سازمانهای کارگری، احزاب کارگری و تشکلهای مترقی در اول ماه مه، روز جهانی کارگر، کار را تعطیل کرده، به خیابانها آمدند، خواسته ها و مطالبات خود را فریاد زدند. شما نیز جسورانه در شهرها و مناطق مختلف، در زندانها و محلهای کار به اشکال متفاوت روز جهانی کارگر را در مقابل دژخیمان اسلامی سرمایه، برگزار کردید و خواسته ها و مطالبات خود را فریاد زدید. وحشیگری و دستگیری فعالین کارگری نتوانست اعتراض و فریاد کارگران را خاموش کند، اعتراض و اعلام خواسته ها و مطالبات کارگران بی وقفه و به اشکال مختلف در جریان است و تا رسیدن به آنها کارگران راهی ندارند جز متشکل و متحد شدن.

زنان و مردان کارگر و زحمتکش،

چند دهه تعرض سرمایه داری مهارگسیخته نئولیبرال در سراسر جهان به طبقه کارگر و عموم زحمتکشان و تهیدستان در متن بحران نظام جهانی سرمایه داری که از سال 2008 به این سو شروع شده و همچنان ادامه دارد، به اوج خود رسیده است. سرمایه داری جهانی این بحران را به فرصتی برای حمله به طبقه کارگر و سازمان های صنفی و طبقاتی

کارگری مبدل ساخته است تا با بازستاندن دست آوردهای چند دهه پیاپی مبارزات کارگری در سطح جهان سوداندوزی سرمایه را به هزینه نابودی و سقوط زندگی طبقه کارگر به حداکثر برساند. خصوصی سازی نظام تامین اجتماعی از بیمه های بهداشت و درمان، خدمات عمومی گرفته تا نظام آموزش و خدمات تامین مسکن، جایگزین کردن کارهای موقت، بی ثبات، کم درآمد و فاقد تامین اجتماعی از طریق بنگاه های پیمانی با کار های دائم تحت پوشش خدمات اجتماعی و دستمزدها و حقوق های در شان انسانی، سلاخی قانون کار برای خلع سلاح کارگران در برابر تهاجم سرمایه داران، استفاده از هر وسیله و فرصت برای درهم شکستن اتحادیه ها و تشکل های کارگری، که سنگرهای مقاومت و مبارزه کارگران علیه تعرض وقیحانه سرمایه داران هستند، در دستور کار فوری و بلادرنگ همه دولت های سرمایه داری مرکز و حاشیه جهان است که با آهنگ های گوناگون اما هماهنگی و همرازی همه بخش های سرمایه داری جهانی به پیش رانده می شود.

گردان های گوناگون طبقه کارگر در جهان نیز به نوبه خود دست بر روی دست ننهادند بلکه به پیکاری جانانه و پرشور علیه تعرض سرمایه برخاسته اند. اروپا به کانون اعتصاب های عمومی کارگری مبدل شده است و در چهار سال اخیر شمار این اعتصابات به شکل بی سابقه ای افزایش یافته است. یونان، پرتغال، ایتالیا، اسپانیا، فرانسه و بلژیک در راس این اعتصابات عمومی و گاهاً اعتصابات عمومی یک هفته ای مانند یونان قرار دارند. سراسر جهان شاهد اعتراضات و مبارزات گسترده کارگری است. آمریکای لاتین از اول ماه مه سال گذشته تا اول ماه مه امسال، شاهد اعتصابات عمومی است، زنجیره اعتصابات عمومی در برزیل، بولیوی، شیلی، کلمبیا و آرژانتین توسط اتحادیه های کارگری برگزار شد که آخرین نمونه آن اعتصاب عمومی آرژانتین در ماه آوریل امسال بود. در آمریکای شمالی نیز با مبارزات کارگری برجسته ای مواجه بودیم کارگران توانستند سد ارتجاع را درهم شکسته و از طریق یک سلسله اعتصابات و اعتراضات زنجیره ای، ناممکن ها را ممکن سازند. در آسیا زنان نساجی بنگلادش و کامبوج، کارگران کارخانجات چین و هند و تایوان و ... از طریق اعتصابات عمومی و تظاهرات گسترده خیابانی خواب صاحبان کارخانه های این کشورها را برای افزایش دستمزد و بهبود شرایط ایمنی کار آشفته ساخته اند. این مبارزات کارگری در حال اوج یابی است و جنبش مستقل اتحادیه ای در حال سر بلند کردن است. در قاره آفریقا اعتصابات و اعتراضات کارگران معادن که کشتار وحشیانه اوت 2012 را تجربه کرده بود همچنان گسترش یافته است و اعتصابات در معادن برای افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار ادامه دارد. در مصر اتحادیه های کارگری نوپا و مستقل موج اعتصابات کارگری را با آهنگ دائم التزاید همچنان ادامه داده اند. تازمترین در ترکیه است که پس از اعتراضات پارک گیزی روی آرامش به خود ندیده و پس از کشته شدن کارگران معدن سوما در سیزدهم این ماه اتحادیه های کارگری پیشتاز یک روز اعتراض و اعتصاب عمومی شدند.

این مقاومت ها، مبارزات، اعتصابات و پیکارها به اتکاء تشکل های کارگری ممکن و میسر می شود و از طریق آن ها ست که مقاومت و مبارزه طبقه کارگر جهانی علیه تعرض سرمایه داری به ثمر می نشیند. زنان و مردان کارگر و زحمتکش ایران در آئینه این پیکارها، یاران و هم زنجیران خود را می یابند و ضرورت همبستگی بین المللی طبقه کارگر را در مبارزه مشترک علیه جبهه متحد سرمایه جهانی برای ساختن آینده ای مشترک باز می یابند.

بیانیم و در رزم مشترک اردوی جهانی کار برای ساختن جهانی دیگر، جهانی عاری از استبداد، ستم و استثمار دست هایمان را به هم گره زده و مشت بر پشت تمامیت نظام سرمایه بکوبیم!

ما اعضاء و نمایندگان نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور، شرکت کننده در هفتمین گردهما بی حضوری نهادهای همبستگی، با درود به شما کارگران مبارز، خود را جزیی از این طبقه عظیم دانسته و بار دیگر تعهد میکنیم که امر دفاع از حقوق کارگران را مهمترین وظیفه خود دانسته و میکوشیم با تمام توان پاسخگوی نیازهای مبارزاتی طبقه مان باشیم.

**گسترده و مستحکم باد تشکل های مستقل کارگری**  
**متشکل شویم، سازماندهی کنیم**  
**سرنگون باد رژیم سرمایه داری اسلامی در ایران**  
**زنده باد همبستگی طبقاتی کارگران**

مه 2014

**نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور**

# پیام به فعالین کارگری دربند زندانیان سیاسی و خانواده های آنان

مبارزه طبقه کارگر در رسیدن به آزادی و برابری، برای سرمایه داران بی نهایت آزار دهنده است و از این روست که بمنظور غلبه بر پرسیانی خود از یک سو بر فشار به فعالین کارگری می افزایند، اخراج از کار و شکنجه و دستگیری روزمره می شود و از دیگر سو با دست یازی به انواع نیرنگ ها تلاش در جدائی فعالین طبقه از توده کارگری و جلوگیری از تشکل مستقل و وحدت انقلابی کارگران دارند. اما پایداری فعالین کارگری زندانی در ادامه مقاومت، زخمی است بر پیکر فاسد سرمایه و حاکمان و حامیان آن و نشان از رشد آگاهی و تعهد طبقاتی این فرزندان دربند طبقه کارگر دارد که میدانند. و میخواهند، دشمنان طبقاتی را می باید در تمامی زمینه ها به چالش کشید. پیامها و رهنمودهای این رزمندگان طبقه کارگر نشان از پی بردن به نیرنگها و گزافه گوییهای حاکمان ریز و درشت و دستهای دراز شده سرمایه به درون جنبش طبقه کارگر دارد. پیام شما مبنی بر ادامه مبارزه بی پروا و بدون سازش طبقاتی برای ایجاد تشکلات مستقل کارگری، تلاش برای زدودن استثمار و ستم، غلبه بر پراکندگی و گروه گرایی خدمت گزاران طبقه کارگر و تکیه بر نیروی خود و قطع امید از «خیرات» و «ذکات» دشمنان طبقاتی می باید سر لوحه فعالیت های کارگری باشد. ما این خواست شما را ارزشمند میدانیم و همراه و همگام باشیم هستیم.

در رژیم های سرکوبگر، پیگردوزندان تنها در مورد فعالین کارگری نیست. هر صدای مخالف سیاسی خطر دارد و زندان را پاسخگوی آن میدانند. هدف از ایجاد زندان و شکنجه، درهم شکستن و خرد کردن

روحیه، جسم و آرمان مبارزین، آزادیخواهان و مخالفین میباشد. زندانیان سیاسی در سرتا سر جهان بخوبی میدانند که هر چه مبارزه جدی تر و مخالفت ها گسترده تر میگردد، اعمال آزار و شکنجه در مورد آنان دقیق تر، پیچیده تر و وحشیانه تر صورت میگیرد. فرمان به بندکشیدن و کشتن هر آن کس که با ما نیست در تمامی طول حکومت ننگین جمهوری سرمایه اسلامی در همه جاذنین داشته است. تاریخ دهه ی شصت و هفتاد سرا پا سیاه حکومت تا بدندان مسلح سرمایه اسلامی با خون هزاران انسان کمونیست، انقلابی و آزادیخواه نوشته شده است. این جنایات ضد بشری جمهوری اسلامی کم و بیش در تمامی حیات این رژیم فاسد ادامه داشته است. از زمان ریاست جمهوری روحانی به علت ترس از شرایط بشدت بحرانی جامعه ایران

، شمار اعدامها و دستگیریها بطور غیر مترقبه ای افزایش داشته است. حمله سازمان یافته و وحشیانه اخیر به بند سیصد و پنجاه اوین نه تنها چهره از توحش هرچه بیشتر این رژیم برمی‌دارد بلکه گواه این است که مزدوران سرمایه جمهوری اسلامی از بحرانی که جامعه رافرا گرفته است و از مقاومت و افشاگریهای زندانیان سیاسی بشدت در وحشت هستند.

مرور هر لحظه و زمان فجایع جنایتکاران جمهوری اسلامی، دردآور و تکان دهنده است. در این سه دهه سران و مزدوران حکومتی مرتکب آن چنان جنایاتی شده اند که کورختی زخمهای آنها تا بدبر پیکر مادران و خانواده های جانبازان و زندانیان سیاسی و همچنین بر جامعه ی آزادیخواه سنگینی خواهد کرد.

در سه دهه گذشته، خانواده‌های زندانیان سیاسی و همچنین انسانهای آزادیخواه بامبارزه بی‌امان خود و تجمع در جلوی زندانها و منعکس کردن اخبار آن در رسانه ها کوشش نموده اند جنایات رژیم را افشاگری نموده و آزادی عزیزان خود را خواستار شوند. مادران و خانواده های زندانیان سیاسی از توهین و تهدید و فشارهای حکومتی باکی نداشته و ندارند و بار و حیه ای رزمنده و مصمم ترو با ایستادگی بیشتر در مقابل سربکوبگران رژیم ایستاده اند. یکی از مکانهای اعتراضی و حضور جمعی مادران و خانواده ها، خاوران میباشد. گلستان خاوران، نماد آزادیخواهی و رادیکالیسم است، نماد آرزوهای تحقق نیافته انقلابیون و چندین نسل است که شجاعانه در برابر موج و حاکمیت ارتجاعی به مبارزه برخاستند. تجمع این عزیزان در این مکان، لوزه برتن رژیم حاکمان جنایتکار سرمایه انداخت، تا جائیکه با انواع فشار و حیل تلاش کرد از حضور خانواده ها در این مکان جلوگیری کند. اما شامبا اتحاد و همبستگی تان توطئه مزدوران را خنثی نموده‌اید و به آنها نشان داده‌اید، در هر محل و مکانی از خاوران و از پارک لاله تا جلو زندانها، راه فرزندان خود را با مقاومت و مبارزه ادامه داده‌اید و همچنان خواهید داد. اخیراً در حمله وحشیانه مزدوران رژیم به زندانیان بند سیصد و پنجاه زندان اوین، شما برای یکبار دیگر به عاملان و عامران این جنایت سازمان یافته و همچنین جهانیان نشان دادید که فرزندان تنها نیستند، شما صدای رسای آنها هستید و این صدا را برای آزادی زندانی سیاسی و افشای جنایات رژیم به همه جامی رسانید.

ما، شرکت کنندگان در هفتمین گرد هم آئی حضوری نهادهای همبستگی با جنبش کارگری ایران - خارج کشور به شما فعالین مبارز کارگری در بند، شما زندانیان سیاسی مقاوم و خستگی ناپذیر، شما مادران و خانواده های جانبازان و زندانیان سیاسی که با استواری و مقاومت خود، سنگر آزادی را پاس می‌دارید، درود میفرستیم و همراه و همگام با شما برای آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی و فعالین کارگری در بند، همچنان مبارزه خواهیم کرد.

**نابود باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی**

## هفتمین گردهمایی نهادهای همبستگی

با جنبش کارگری در ایران- خارج کشور در پاریس

### جلوگیری از سفر داوود رضوی عضو

### هیئت مدیره سندیکا را قویا محکوم می کنیم!

از طریق اطلاعیه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در ایران مطلع گشتیم که آقای داوود رضوی، از اعضای هیئت مدیره ی سندیکای کارگران شرکت واحد، که توسط کلکتیو سندیکاهای کارگری فرانسه برای شرکت در گردهمایی در شب همبستگی با کارگران ایران به همراه آقای علی نجاتی از فعالین سندیکای نیشکر هفت تپه به پاریس دعوت شده بود، هنگام ورود به هواپیمای فرودگاه امام خمینی از انجام این سفر توسط ماموران امنیتی جمهوری اسلامی، منع شد. ماموران امنیتی همچنین به داوود رضوی اعلام کرده اند که در طی روزهای آینده خود را به دادگاه انقلاب معرفی کند. داوود رضوی در گذشته نیز به خاطر دفاع از حقوق کارگران ایران بارها تحت پیگرد و بازداشت قرار گرفته است.

منع سفر داوود رضوی، از فعالین سندیکای شرکت واحد، نقض آزادی حق سفر به عنوان یکی از آزادی های پایه ای شهروندی است که توسط دستگاه های امنیتی رژیم جمهوری اسلامی از این فعال سندیکائی سلب شده است. دعوت رسمی و علنی سازمان های سندیکائی معتبر مانند تشکل های سندیکائی فرانسه از فعالین کارگری امری عادی و پذیرفته شده در عرف مناسبات میان تشکل های کارگری در جهان امروز می باشد که طبعاً هیچ مانعی در برابر آن نباید ایجاد شود.

ما نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران- خارج از کشور که در جریان برگزاری هفتمین گردهمایی مان در پاریس هستیم این اقدام مقامات امنیتی جمهوری اسلامی را شدیداً محکوم می کنیم.

پاریس یکشنبه ۴ خرداد ۱۳۹۳ برابر با ۲۵ می ۲۰۱۴





## برگزاری شب همبستگی با کارگران ایران توسط سندیکاهای سراسری فرانسه

بیست و ششم ماه مه 2014 شب همبستگی با کارگران ایران که به ابتکار کلکتیو پنج سندیکای سراسری فرانسه، «ث اف د ت»، «ث ژ ت»، «اف اس او»، «سولیدر» و «او ان اس آ» ترتیب داده شده بود، در سالن «ژورس» در بورس کار در پاریس برگزار شد.

کلکتیونامبرده از دو کارگر فعال سندیکائی در ایران، آقایان علی نجاتی و داوود رضوی برای شرکت و سخنرانی در این اجلاس دعوت کرده و امکانات ویزا و سفر و پذیرائی از آن ها را فراهم ساخته بود. با وجود عبور از بازرسی پلیس فرودگاه و کنترل پاسپورت، مامورین امنیتی به سراغ آقای داوود رضوی رفته و با این ادعا که وی ممنوع الخروج است، از سوار شدن او به هواپیما جلوگیری کرده و با ضبط گذرنامه از وی خواسته بودند که روز بعد به دادگاه انقلاب مراجعه کند. به این ترتیب متاسفانه آقای رضوی نتوانست در این شب همبستگی حضور پیدا کند ولی عکس بزرگی از وی روی صندلی خالی اش قرار داده شده بود.

برنامه ساعت هژده و سی دقیقه با خوش آمد گوئی به حضار توسط یکی از مسئولین سندیکائی برگزارکننده و معرفی خود و دیگر مسئولین سندیکائی فرانسه آغاز شد. وی با ابراز تاسف از عدم حضور آقای داوود رضوی، رفتار غیر قابل توجیه و سرکوبگرانه پلیس امنیتی ایران را محکوم کرد.

آقای داوود رضوی ساعتی پس از حادثه فرودگاه، پیامی به این شب همبستگی و خطاب به کلکتیو سندیکائی فرانسه تهیه و ارسال کرده بود. پیام آقای رضوی با یک دقیقه سکوت به یاد کارگران قربانی در معدن سوما در ترکیه آغاز شده بود و حضار نیز به پا خاسته و یک دقیقه سکوت کردند. پس از آن، پیام پر شور و جسورانه آقای رضوی به زبان فرانسه قرائت شد و با کف زدن و تحسین گرم حضار روبه رو شد.

سپس، پیام دکتر فریبرز رئیس دانا، اقتصاد دان، استاد دانشگاه و حامی جنبش کارگری، که وی نیز بخاطر ممنوع الخروج بودن امکان شرکت در این جمع را نیافته بود خوانده شد.

بخش اصلی برنامه، سخنرانی آقای علی نجاتی بود که وی طی آن ضمن معرفی خود، تاریخچه سندیکای نیشکر هفت تپه، مبارزات کارگران برای بازگشائی آن، شکل گیری سندیکای این صنعت و انتخاب هیئت بازگشائی و هیئت رئیسه، مطالبات کارگران، اعتصاب موفق و نیز اخراج ها، دستگیری ها، زندان ها و سرکوب های فعالان کارگری را به دنبال موفقیت در تاسیس

سندیکای مستقل و پیروزی در اعتصاب پنجاه و دو روزه شرح داد و از فشارهای سختی نیز که خود وی و خانواده اش بخاطر دفاع از حق تشکل مستقل کارگری و پافشاری بر مطالبات کارگران نیشکر هفت تپه متحمل شده است سخن گفت. وی همچنین به اوضاع عمومی کارگران ایران و دغدغه های حادشان در رابطه با دستمزد، بیکاری، عدم امنیت شغلی، قرار دادهای سفید امضا و موقت و دیگر مسائل عمومی کارگران پرداخت و در پایان به اهمیت حمایت ها و پشتیبانی های همه جانبه فعالان کارگری داخل و خارج کشور و سندیکا ها و نیروهای کارگری کشورهای دیگر و همبستگی واقعی و عملی - که کلکتیو سندیکائی فرانسه الگوی درخشان آن است - تاکید کرد. پس از نمایش دو فیلم کوتاه، اولی از کارهای هنرمندان آقای رضا دقتی، عکاس معروف و جهانی، ودومی ساخته «کانون مدافعان حقوق کارگر»، بخش گفتگو آغاز شد که طی آن آقای علی نجاتی به پرسش های متعدد حضار پاسخ گفت.

این شب همبستگی با استقبال فراوان و حضور ترکیب بسیار متنوعی از ایرانیان و همچنین فرانسویان علاقه مند برگزار شد و شماری از حضار نیز از کشورهای مختلف اروپا به این منظور به پاریس سفر کرده بودند.

در پایان، از حضار با غذا و آشامیدنی پذیرائی بعمل آمد و برنامه در ساعت بیست و یک و سی دقیقه پایان یافت.

همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - فرانسه



پیام داوود رضوی به کنفرانس همبستگی با کارگران ایران در پاریس

## اتحاد و همبستگی کارگران، فاصله و مرز نمی شناسد!

چند لحظه سکوت می کنم، برای کارگرانی که در اعماق معدن سوما در ترکیه برای معاش خود، از جان خود مایه گذاشتند و زندگیشان را در راه تأمین نان خانواده ی خویش فدا کردند. با درود بیکران از اینکه من را به عنوان کارگر و فعال سندیکایی از ایران به نشست و گرد همایی خودتان دعوت کردید، سپاسگزارم. متأسفانه مسئولان و مدیران کشور ایران، حتا سفر یک کارگر را در چارچوب مسایل امنیتی می نگرند، در حالی که شما آزاده می توانید اعتراض کنید و یا مراسم اول ماه می را برگزار کنید، در کشور ما ایران، من خود شاهد بودم که حتا تحمل پخش شربینی را نیز از سوی کارگران پذیرا نبودند و چنان برخوردی در روز اول ماه می با ما و همکارانمان کردند که حتا صدای کسی که قرار بود به زندان انداختن کارگران را دستور بدهد، درآمد! اینجا ما حق ایجاد تشکل های مستقل کارگری و سندیکایی را نداریم و در ده سال گذشته که من خود در کنار دیگر همکارانم در این راه تلاش می کنیم، هرگز از فشارهای امنیتی حاکمیت و دولت در امان نبوده ایم و همانطور که مطلع شده اید، با اینکه من ممنوع الخروج نبودم، ترفند های امنیتی، به کار افتاد و پیش از سوار شدن به هواپیما، به راحتی از سفر من به فرانسه، جلوگیری کردند و مرا از اینکه در این گرد همایی در کنار شما باشم محروم ساختند؛ افزون بر اینکه، با توقیف پاسپورتم به مراکز

امنیتی و قضایی کشور نیز معرفی شدم. هر چند در ده سال گذشته نه تنها من، بلکه فعالان سندیکایی و کارگری، بارها و بارها به زندان افتاده اند و حبس های طولانی مدت برایشان صادر شده و همانطور که آگاه هستید در حال حاضر رضا شهابی از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد، حدود 5 سال است که به خاطر فعالیت های سندیکایی و کارگری، در شرایط بسیار وخیم جسمانی، همچنان در زندان است. شاهرخ زمانی، محمد جراحی، جعفر عظیم زاده و بهنام ابراهیم زاده و دیگر کارگرانی که فقط به دلیل ایجاد تشکل های مستقل کارگری که حق بدیهی آنان است، در زندان بسر می برند و حتا کارگرانی که به خاطر دفاع از حقوق ابتدایی خویش از کار بیکار شده اند، تا صدای دیگر کارگران به گوش نرسد. دوستان عزیز در ده سال گذشته اما، آنچه ما شاهد بودیم نه تنها این فشارها نتوانسته تلاش های فعالان کارگری را متوقف کند، بلکه کارگران بیشتری به میدان آمده اند و امروز کارگران در کشور ایران به این آگاهی دست یافته اند که راه نجات آنها فقط اتحاد و همبستگی، مقابل صاحبان قدرت و سرمایه است و به یقین روزی خواهد رسید که در این کشور، اتحادیه ها و سندیکاهای منسجم و مستقل شکل بگیرند. در نتیجه، نیرو و انگیزه ی کافی در این زمینه وجود دارد؛ اگرچه فشارها و جو امنیتی و عدم امنیت شغلی روند این حرکت را کند کرده، هر چند که جایگزین کردن تشکل های دست سازی چون کارگر و شوراهای اسلامی کار و جدیدا انجمن صنفی های مختلف به جای سندیکاها و تشکل های مستقل کارگری، موجب متفرق شدن و دلسرد کردن کارگران برای ایجاد تشکل های خود در جامعه شده، اما هرگز خللی در اراده ی فعالان و کوشندگان برای حقوق و منافع کارگران به وجود نیاورده است و با به کارگیری تمام ابزار فشارها، کارگران همچنان محکم و مصمم ایستاده اند و دست از تلاش برنداشته اند و تا رسیدن به خواست ها و مطالبات واقعی کارگری، این راه را ادامه خواهند داد.

سلام و درود به شما کارگرانی که فاصله ها و مرزها نتوانسته از اتحاد و همبستگی شما بکاهد، دوستان عزیز من خوشحال هستم که در دورانی زندگی می کنم که اتحاد و همبستگی بین کارگران، حد و مرزی نمی شناسد و کارگران هر کجای جهان، مورد ستم و بی عدالتی صاحبان سود و سرمایه قرار بگیرند، دیگر کارگران دنیا با یکپارچگی و اتحاد، صدای آنها را به گوش جهانیان می رسانند و حتا بارها شاهد بوده و هستیم که از دورترین نقاط جهان برای به رسمیت شناختن حق آزادی داشتن تشکیلات کارگری و آزادی

کارگران زندانی، با نامه نگاری ها و برگزاری اکسیون های مختلف، به مسئولان کشور ما هشدار داده اند و تأثیرهای آن نیز بر کسی پوشیده نیست. امروز، شما از ما خوشبخت تر هستید، چرا که دارای فدراسیون های متحد کارگری هستید، اتحاد و انسجام شما باعث دلگرمی و امیدوری کارگران دیگر کشورهای جهان است. خبر اعتصاب ها و تظاهرات و اتحاد و همبستگی کارگران اروپا که در قالب سندیکاها و اتحادیه ها، اقدام به اعتراض های گسترده می کنند، از رادیو تلویزیون های دولتی ایران به طور مرتب، پخش می شود، اما متأسفانه در کشور خود ما حق هیچگونه ایجاد تشکل های مستقل سندیکایی و کارگری وجود ندارد و حق اعتصاب را به رسمیت نمی شناسند. دولت با حمایت از تشکل های ضد کارگری، همچون خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار که هیچ جایگاهی در میان کارگران ندارند، جامعه ی کارگری را به فقر و فلاکت رسانده، جا دارد که از شما کارگران تقاضا کنم که با امکانات و حق اعتراضی که در کشورتان دارا هستید صدای دادخواهی کارگران ایران را به گوش سازمان جهانی کار برسانید تا از پذیرفتن نمایندگان پوشالی کارگری که خودشان را نمایندگان ما می دانند، سرباززنند و با مشخص شدن هویت تقلبی آنها، از نمایندگان واقعی کارگران در ایران دعوت به عمل آورند که همه ساله در ژنو برگزار می شود، به این امید که صدای واقعی کارگران را در ایران بهتر بشنوند، در واقع می توانم بگویم خانه کارگر و زیر مجموعه های آن همچون شوراهای اسلامی کار، بیشتر از عوامل امنیتی در سرکوب کارگران در ایران نقش داشته اند و در خاموش و ساکت کردن کارگران از نهادهای نظامی، امنیتی حتا سبقت گرفته اند، در پایان یک بار دیگر از تلاش و همکاری و همیاری شما برای دعوت از من سپاسگزاری می کنم و قدر شناسی خودم را نسبت به اهمیت و ارزش این دعوت ابراز می دارم، هر چند که امروز به علت فشارهای زیادی که برای فعالان کارگری در اینجا وجود دارد نتوانستم در کنار شما باشم، اما اکنون که در حال نوشتن این متن برای شما هستم از صمیم قلب احساس می کنم که با شما و در کنار شما هستم. برای همه ی شما عزیزان و تلاشگران کارگری بی مرز، پیروزی و پایداری آرزومندم.

داوود رضوی، فعال سندیکایی

4 خرداد 1393 برابر با 26 ماه می 2014

## پیام هفتمین مجمع عمومی نهادهای همبستگی با جنبش کارگری ایران - خارج کشور

### به "ICOG" (هیئت هماهنگی تدارک اولین کنفرانس جهانی کارگران اتومبیل سازی)

همکاران، دوستان و رفقای عزیز

با اطلاع از گزارش دومین اجلاس موفقیت‌آمیز شما برای تدارک اولین کنفرانس بین-المللی کارگران اتومبیل سازی و تصویب برنامه‌های عملی برای تحقق این امر، ضمن آرزوی موفقیت برای کنفرانس اکتبر 2015،

با نهایت خوشوقتی از قطعنامه صادره نشست شما در حمایت از کارگران زندانی در ایران و محکوم نمودن جمهوری اسلامی ایران و همچنین پیام همبستگی شما به شب همبستگی با کارگران ایران که از طرف 5 اتحادیه کارگری بزرگ فرانسه (کلکتیو سندیکایی) در 26 ماه مه در پاریس برگزار شد، سپاسگزار بوده و آرزوی تحکیم و گسترش بیشتر همبستگی کارگران جهان را داریم.

با درودهای همبستگی

از طرف مجمع عمومی هفتمین نهادهای همبستگی با کارگران ایران - خارج کشور

پاریس - 2014/5/25



# اجلاس سالیانه سازمان

## جهانی کار و اعتراض ما

اعتراض ما به همراه دیگر نهادهای مدافع حقوق کارگران جهان و ایران، در هنگام برگزاری اجلاس سالیانه سازمان جهانی کار در ژنو، ممکن است این سوال را در اذهان ایجاد کند که، با توجه به اینکه ما قبلاً درک خود را در رابطه با سازمان مذکور بیان کرده و کوچکترین ابهامی در رابطه با عملکرد و اهداف آن نداریم (در پایین این سند ضمیمه است)، چه هدفی را دنبال می‌کند. بد نیست ابتدا سابقه و نیز تاریخچه شکل‌گیری سازمان جهانی کار (آی ال او) را مرور کنیم. (منبع: ویکی‌پدیا)

### پیشینه این سازمان :

« سازمان بین‌المللی کار یکی از موسسات تخصصی سازمان ملل متحد است که به امور مربوط به کار و کارگران می‌پردازد. این سازمان در سال ۱۹۱۹ و در نتیجه بحث‌های کنفرانس صلح پاریس تأسیس شد. سازمان بین‌المللی کار در آغاز وابسته به جامعه ملل بود و پس از تأسیس سازمان ملل متحد از سازمان‌های وابسته به آن شد. منشور فعلی سازمان که به بیانیه فیلادلفیا معروف است در سال ۱۹۴۴ تصویب شد.

مقر این سازمان در شهر ژنو در کشور سوئیس است. سازمان هر سال در ماه خرداد کنفرانسی برگزار می‌کند.»

### پیرامون تاریخچه تأسیس این سازمان نیز آمده است :

« سازمان بین‌المللی کار در سال □□□□ پس از پایان جنگ جهانی اول در زمانی که کنفرانس صلح در کاخ ورسای بر پا بود، شکل گرفت. نیاز به پیدایش چنین سازمانی در قرن نوزدهم به وسیله دوتن از صنعتگران ولزی و فرانسوی یعنی رابرت اوون و دانیل لگراند مورد تأکید و پیگیری قرار گرفته بود. پس از آنکه طرح مذکور در خلال همکاری‌های بین‌المللی جهت تدوین قانون کارگران در سال □□□□ در باسل مورد توجه قرار گرفته بود. سازمان ILO با هدف تدوین مقررات و قوانین بین‌المللی در جهت بهینه سازی استانداردهای بین‌المللی کار و حصول اطمینان از بکارگیری آنها متولد شد. قانون ILO در بین

ماه‌های ژانویه و آوریل □□□□ به وسیله کمیسیون کار در کنفرانس بین‌المللی صلح تدوین شد. این کمیسیون ترکیبی بود از نمایندگان □ کشور بلژیک، کوبا، چکسلواکی، فرانسه، ایتالیا، ژاپن، لهستان، بریتانیا، و ایالات متحده آمریکا که رهبری کمیسیون را ساموئل گامپرس، رئیس فدراسیون کارگری آمریکا (AFL) بر عهده داشت. نتیجه این نشست بروز سازمان سه جانبه گرایی بود که تنها سازمانی بود که نمایندگان دولت، کارفرمایان و کارگران را در یک نقطه سامان می‌داد. قانون ILO فصل هشتم معاهده صلح و رسای است.»

برگرفته از ویکی پدیا یا دانشنامه آزاد :

<http://fa.wikipedia.org/wiki>

## اقدام اعتراضی ما چه هدفی را تعقیب می‌کند؟

برای کسانی که آشنایی با ماهیت سازمان جهانی کار (I.L.O) نداشته باشند، امکان دارد اینگونه تصور شود که گویا این سازمان در مقام "ناجی" و حمایتگر همه جانبه منافع کارگران ایران یا در مقام "قاضی" بی طرف میان رژیم سرمایه داری حاکم و طبقه کارگر ایران قرار گرفته است.

ما برآنیم که سازمان بین‌المللی کار، سازمانی است که اصولاً به منظور ایجاد قطبی در مقابل انقلاب های کارگری شکل گرفته است. ولی این بدان معنی نیست که فعالان مدافع حقوق کارگران بی تفاوت از برگزاری اجلاس سازمان جهانی کار که در آن نماینده های اتحادیه های کارگری حضور دارند، بگذرند. ما می‌توانیم از طریق اتحادیه های کارگری (الزاماً از طریق روابطی که با آنها داریم مثل ژد در فرانسه) برای اعمال فشار بر آن و سیاست های ضد کارگری اجلاس استفاده کنیم، تاکتیک مناسبی که از طریق آن بتوان اعمال ضد کارگری رژیم اسلامی را افشاء و نماینده گان مزدور شرکت داده شده در اجلاس را رسوا کرد. شرکت در این حرکت افشاگران در عین حال می‌تواند انعکاس صدای اعتراضی کارگران در ایران باشد که فعالین و نماینده گانشان در زندانها هستند.

بحران عمیق سرمایه داری جهانی منجر به جنگ جهانی اول شد ولی پس از جنگ انقلاب اکتبر و حرکت های کارگری در راستای تشکیل شوراهای کارگری در روسیه، و سپس در آلمان - اطریش، مجارستان به وقوع پیوستند. در این میان سرمایه جهانی به ابتکار رئیس جمهور وقت آمریکا یعنی "ویلسون" برنامه چهارده ماده ای را به عنوان صلح در قرارداد ورسای در ژوئن □□□□ ادامه داد. در راس این برنامه ایجاد نهادی به نام «اتحادیه ملل» بود که بنیاد (سازمان بین المللی کار) را بنا نهادند.

سازمان بین المللی کار (I.L.O) از ابتداء برای تحمیل کارگران در سطح جهان و جلوگیری از تشکیل شورای های کارگری و تشکل های مستقل کارگری توسط امپریالیسم پایه گذاری شده تا در مرکز قوانین آن مشارکت دولت و کارفرما و کارگران منتخب خود دولت ها در سطح کشور های دیکتاتوری بدور از حضور نمایندگان اتحادیه های کارگری و منتخب خود کارگران، گزینش شبه کارگرانی را به مثابه "اسیر" در این معادله نماینده دولت و کارفرما در مضمون سه جانبه گرایی جای دهند.

از نظر ما همانطوری که سازمان ملل متحد خود، یکی از اهرم های حافظ نظم موجود جهانی و سلسله مراتب زورگویانه حاکم بر آن است و به دلایل عدیده ای نمی تواند تجسم وجدان بشریت باشد یا حتی منافع اکثریت آحاد جمعیت در کشورها را نمایندگی کند، سازمان های زیر مجموعه آن از جمله همین "سازمان بین المللی کار" نیز نمی تواند جدا از اهداف و سیاست های آن باشد. برای ما نیک مشخص است که هر بحثی در باره مشروعیت و کارکرد نهادهای بین المللی موجود، خواه ناخواه بحثی در باره مشروعیت و کارکرد قوانین بین المللی موجود هم هست. اگر نهادهای بین المللی موجود نهادهایی هستند برای تنظیم رابطه دولت ها که عمدتاً در جهت حفظ منافع امپریالیسم امریکا و قدرت های متحد سرمایه جهانی آن عمل می کنند، قوانین بین المللی موجود و پذیرفته شده از طرف این نهادها نیز در راستای همین وظیفه تنظیم شده اند. برای ما روشن است که اینها سازمان هایی میان دولتی هستند که کار در آنها از طریق زد و بند میان دولت ها پیش می رود. ولی آیا این حد آگاهی ما وسیله می گردد که از ابزارنظم بورژوازی و درعین حال نداشتن هیچ توهمی نسبت به ماهیت و کارکرد آن، برای تعمیق یافتن مبارزه فرودستان جامعه خود و جامعه جهانی از آن بهره نگیریم و مبارزات خود را صیقل ندهیم و تعمیق نبخشیم؟ سازمان جهانی کار همانطور که در بالاتر اشاره شد با فشار و خطرشوراهای کارگری بر علیه سرمایه در مقابل و کنترل آن توسط سرمایه داری ساخته شد، توازن قوای جنبش کارگری و نیز سایر جنبش های اجتماعی همین سازمان را در مقاطعی تاریخی به عقب نشینی و تن دادن به موضع گیری بر خلاف منافع سرمایه واداشته است.

مثالها ی متعددی می توان در این زمینه آورد، از جمله محکومیت و انزوای حکومت نژادپرست در آفریقای جنوبی، افشاگریها درباره سیاست تجاوزگران امپریالیسم آمریکا در ویتنام و کامبوج، افشاگری در مورد صهیونیسم و تصویب امتیازاتی هرچند ناقص و ناکامل برای خلق فلسطین، دفاع هرچند نیم بند از زندانیان سیاسی از طریق سازمان عفو بین المللی و سازمان حقوق بشر و.....

بنابراین تظاهراتهای متعدد نیروهای مترقی در برابر ساختمانهای این تشکلات نیز، بی اثر در تصویب و اجرای آن مصوباتی که جنبه مترقی داشته اند، نبوده است. زمانیکه صف چند ده هزار نفری معترضین به تجاوز امپریالیستی آمریکا به ویتنام از جلوی ساختمان سازمان ملل گذشت، تقویت کننده افشاگری آنانی بود که در درون ساختمان، در محکوم نمودن آن تجاوز و باخواست پایان آن، می کوشیدند.

نتیجه اینکه: سازمان جهانی کار دارای ماهیتی کاملاً بورژوائی است و دست سرمایه داری و دولتهای سرمایه داری را در تجاوز به منافع کارگران از طرق گوناگون از جمله چانه زنی های «سه جانبه گرایی» بازمی گذارد. جدا از این امر، در این سازمان در اکثر موارد نمایندگان واقعی کارگران کشورها شرکت ندارند بلکه نمایندگان اینگونه کشورها، فرستادگان دولتی و یا تشکلات قلابی دولتی می باشند و بهیچوجه صلاحیت نمایندگی را ندارند. نمایندگان جمهوری اسلامی ایران از این جمله هستند. اگر می پذیریم که این کرسی نمایندگی غصب شده است و بایستی در اختیار نمایندگان واقعی کارگران ایران گزارده شود، پس بایستی برای تحقق این امر هم از درون این تشکل و هم از بیرون مبارزه کرد. از درون می تواند با یاری نمایندگان سندیکاها ی مترقی عضو و از بیرون با اقدام به انواع تحرکات اعتراضی،



نامه نوشتن، از اطلاعاتیه و بیانیه صادر کردن و سازمان دهی آکسیونهای اعتراضی متشکل دست به اقدام زد. کاری که ما به سهم خود در مشارکت با دیگر گروههای مدافع حقوق کارگران ایران طی چندسال پیش انجام داده ایم. تکرارنمایش اعتراضی با برپایی سازمانیافته ترمینینگ در برابر ساختمان سازمان جهانی کار در ژنو و در زمان برگزاری نشست سالانه نمایندگان، با درس آموزی از ضعف های سال های پیشین، در مرحله اول به امر اتحاد عمل مدافعین حقوق کارگران در سطح تشکل های موازی خارج از کشور یاری رسانده و دیگر اینکه می تواند به پژواک مبارزه مستقل کارگران در درون کشور هم عهد گردد. زیرا که مبارزه کارگران با اعزام نمایندگان قلبی رژیم از درون و تقویت این مبارزه از بیرون توسط گروه بندیهای مختلف، تا کنون تأثیرات مثبت داشته است. ما باید این سنت هر ساله را با جافتادگی هر چه وسیعتر با پشتیبانان سندیکایی خود در فرانسه و سراسر جهان به پیش ببریم. و صد البته این کار با تدارک سازمانیافته قبلی فراهم می گردد.

فعالین نهادهای همبستگی – همانگونه که تا به امروز در عمل اجتماعی و در اسناد و بیانیه های خود نشان داده اند – همیشه اوقات در امر مدافعه از حقوق کارگران در برابر منافع آشکار سرمایه داری موجود، همواره بر تقدم مبارزه علیه بهره کشی از کارگران در ایران اصرار ورزیده و در این راستا قدمی به عقب بر نخواهند داشت.

## سازمان جهانی کار، ارگانی برای تنظیم شرایط کار به نفع دولتها و کارفرمایان است!

کارگران ایران از حق ایجاد تشکلهای مستقل برخوردار نیستند، تشکلهای کارگری موجود، سندیکای واحد و سندیکای هفت تبه و ...، تحت فشار و سرکوب هستند و کارگران و فعالین کارگری مورد اذیت و آزار مداوم قرار میگیرند. نمایندگان کارگران و فعالین کارگری در زندانهای رژیم اسلامی اسیر و تحت فشارهای جسمی و روحی بسر میبرند. اعتراضات، اعتصابات و تجمعات کارگری سرکوب میشوند. سازمانها و اتحادیه های کارگری در سطح جهانی و بخصوص نمایندگانشان در سازمان جهانی کار از این موضوع بی اطلاع نیستند. با اینحال هر ساله هیئتی از رژیم جمهوری اسلامی به این اجلاس دعوت شده و مسئولیت به آنها واگذار میشود. حتی همان حداقل مقابله نامه های سازمان مذکور توسط رژیم زیر پا گذاشته میشود.

سازمان جهانی کار که زیر مجموعه سازمان ملل است، با توجه به سابقه و اهدافش تا به امروز نشان داده است که منافع مستقل کارگران، منافعی که از درون مبارزات آنان سرچشمه گرفته باشد، در آن نمایندگی نشده و جایی ندارد. در اثر مبارزات تاریخی طبقه کارگر در کشورهای مختلف در منشور سازمان بخشی از دستاوردهای این مبارزات منجمله حق ایجاد تشکل، قراردادهای جمعی، رفع تبعیض و برابری حقوقی درج شده است. آنچه از اهداف این سازمان بر می آید، تدوین و اجرای قوانینی در چهارچوب مناسبات موجود یعنی تامین شرایط کار در جهت نیاز دولتها و مالکان سرمایه است و منافع کارگران در آن جایی ندارد. درک حاکم بر اجلاس، سیاست سه جانبه گرایی است که دولتها با توجه به تنظیمات ارگانهای جهانی مانند سازمان تجارت جهانی کار و صندوق بین المللی پول می بایست در قوانین کشوری به اجرا بگذارند. از اینرو نمایندگان دولتها، کارفرمایان و تشکلهایی که به نام کارگر از بالای سر توده کارگر و در چهارچوب سیاستهای حاکم سازمانیافته اند، رابطه کار و سرمایه را به اتفاق تنظیم میکنند. این سیاست هیچ ربطی به منافع پایه ای کارگران نداشته و تغییری در بهبود شرایط زندگی آنها ایجاد نمی کند.

هرگونه تغییر در شرایط کار و زندگی کارگران در گرو ایجاد تشکلهای مستقل و متکی به نیروی کارگران و برگزیدن نمایندگان واقعی خود خواهد بود.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران – خارج کشور

2 ژوئن 2013

## مصوبات

### نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران

#### خارج کشور

#### الف: "اشتراکات ما"

- 1- نهادهای همبستگی با کارگران ایران دفاع از خواسته ها، مبارزات و تشکلات مستقل کارگری در همه اشکال آن را مهمترین وظیفه خود می دانند. انعکاس اخبار و مبارزات کارگری و سایر جنبش های اجتماعی در ایران از دیگر وظائف این نهاد ها می باشد.
- 2- این نهادها در مقابل نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و کلیه نیروهای ارتجاعی و ضد کارگری و عوامل آنها در سطح کشوری و بین المللی مرزبندی قاطع و روشن دارند. افشا و مبارزه بر علیه این نیروهای ارتجاعی و همچنین افشا و جلوگیری از بهره برداری های نیروها و نهادهای راست و امپریالیستی از مبارزات کارگری از جمله دیگر وظائف این نهادها می باشد.
- 3- تلاش برای ارتباط گسترده تر جنبش کارگری ایران با جنبش بین المللی کارگری و جلب حمایت و همبستگی وسیعترین نیروهای مترقی بین المللی از جنبش کارگری ایران، دفاع از مبارزات ضد سرمایه داری و ضد امپریالیستی کارگران و سایر اقشار محروم اجتماعی در سطح جهان و شرکت فعال در این مبارزات وظیفه نهادهای همبستگی با کارگران ایران است.
- 4- تبلیغ ضرورت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و حاکمیت سرمایه در ایران نیز از جمله وظائف ماست.
- 5- تبادل نظر و اطلاعات در جهت خدمت به کار مشترک و نیز حفاظت از نهادهای همبستگی کارگری در خارج از کشور به صورت مشترک در برابر دشمنان طبقه کارگر و به ویژه رژیم جمهوری اسلامی از جمله وظائف مشترک ماست.
- 6- جمع آوری کمک مالی برای تشکلات مستقل کارگری در ایران یکی دیگر از وظائف نهادهای همبستگی با کارگران ایران است.

#### ب: "ارگان ها"

##### یک: مجمع عمومی

- 1- مجمع عمومی عالی ترین ارگان برنامه ریزی و تصمیم گیری نهاد های همبستگی کارگری است. این مجمع عمومی هر 6 ماه یک بار تشکیل می یابد. نشست و یا مجمع عمومی حضوری سالی یکبار برگزار میگردد.
- 2- مجمع عمومی بررسی گزارش های هئیت هماهنگی و واحد ها، پیشنهادات، تغییر یا تکمیل مواد یا مبانی همکاری ها، برنامه ریزی آینده و انتخاب هئیت هماهنگی آینده را بعهده دارد.
- 3- مجمع عمومی با حضور دو سوم نهادها رسمیت می یابد. حضور تمامی اعضا نهادها در مجمع عمومی ضروری و آزاد است.
- 4- به پیشنهاد نصف بعلاوه یک نهادها و شرح ضرورت آن مجمع عمومی فوق العاده فراخوانده میشود.

5- بررسی و پذیرش تقاضای پیوستن نهادهای جدید براساس قبول موازین مشترک جمع و حداقل معرفی یک نهاد صورت می‌گیرد. این تقاضا از طریق کمیته هماهنگ کننده برای همه نهادها ارسال می‌شود که در صورت توافق نصف به علاوه یک نهادها در مدت یک ماه، آن نهاد به عضویت در می‌آید.

تبصره - در صورت ارائه سند از جانب نهادی در مورد عدم صلاحیت نهاد متقاضی عضویت، تصمیم‌گیری برعهده اولین مجمع عمومی می‌باشد.

6 - میهمانان در مجمع عمومی عبارتند از:

الف - رفقانی که هیئت هماهنگ کننده از فعالان کارگری داخل و خارج از کشور دعوت به عمل می‌آورند. شرکت این میهمانان در مجمع عمومی با تأیید دوسوم هیئت هماهنگ کننده صورت می‌گیرد.

ب - رفقانی که در رابطه با مناسبات همبستگی بین‌المللی و ارتباط با گرایش‌های چپ کارگری شهری از طریق رفقای تدارک دهنده مجمع عمومی دعوت می‌شوند. رفقای دعوت شده می‌توانند در تمامی طول جلسات حضور نمایند. با بحث و تبادل نظرات و بعنوان مشاور و انتقال تجربه در مباحث شرکت نمایند و رای مشورتی دارند.

7 - همه اعضای حاضر در مجمع عمومی از حق رای مساوی برخوردار هستند.

8 - نهاد محلی به نهادی گفته می‌شود که حد اقل از سه عضو تشکیل شده و در پیوند با محیط استقرار خود (کشور یا شهر) فعالیتی مستمر برای جلب حمایت از جنبش کارگری در ایران داشته باشد.

## دو: هیئت هماهنگ کننده

1- مجمع عمومی برای هماهنگ کردن فعالیت‌ها و پیگیری مصوبات، برنامه‌ها و رابطه بین نهادها یک هیئت هماهنگ کننده سه نفره انتخاب می‌کند.

2- هیئت هماهنگ کننده هر 14 روز یکبار تشکیل جلسه داده و وظایف را بر حسب مورد بین خود یا اعضای دیگر تقسیم می‌کند. سایر اعضای نهادها نیز می‌توانند بدون حق رای و تنها با حق مشارکت در این نشست‌ها شرکت کرده و در چهارچوب دستور جلسه تعیین شده توسط هیئت هماهنگ کننده و در محدوده زمانی که برای اظهار نظرات آنها معین می‌شود، نظرات مشورتی خود را ابراز کنند.

3- هیئت هماهنگ کننده مجاز نیست به اقدامات یا برنامه‌هایی خارج از مصوبات مجمع عمومی بپردازد. همچنین حق نقض و یا تغییر تصمیمات مجمع عمومی را ندارد. هر پیشنهاد یا برنامه جدید باید به اطلاع تمامی نهادها رسیده و با توافق نصف به علاوه یک آنها قابل اجرا خواهد بود.

4- هیئت هماهنگ کننده راساً مجری هیچ برنامه‌ای نیست بلکه می‌کوشد با درگیر کردن تمامی رفقا و تقسیم کار مناسب از طریق تشکیل گروه‌های کاری فعالیت‌های عملی را هماهنگ کند.

5- گزارشات مجامع عمومی، مصوبات، اطلاعیه ها و اخبار مربوط به مجموع نهادها تنها از طریق هیئت هماهنگ کننده انتشار بیرونی می یابد و از طریق ایمیل گروهی توزیع درونی می شود.

6- با توجه به نیاز و ضرورت، جلسات عمومی از اعضای نهادها برگزار میشود. در این جلسات که معادل مجمع عمومی نبوده و از اختیارات مجمع عمومی برخوردار نیستند، نهادها گزارش فعالیتهای خود را ارائه داده و نیز بحث، تبادل نظر و مشورت پیرامون پیشنهادات و فعالیتهای جاری صورت میگیرد. اداره این جلسات عمومی بعهد هیئت هماهنگ کننده بوده و گزارش این جلسات را تهیه و به نهادها ارسال میکند.

7- هر شش ماه یکبار در مجمع عمومی سه نهاد به طور دوره ای و چرخشی برای تشکیل هیئت هماهنگ کننده انتخاب میشوند. هر یک از این نهادها یک نفر را برای شرکت در هیئت هماهنگی معرفی میکنند.

8- هیات هماهنگ کننده می باید بصورت کاملاً پیگیر خواهان ارسال گزارشات شش ماهه نهادها بشود و بعد از بررسی، آن گزارشاتی را که برای انتشار بیرونی مناسب هستند به مجمع عمومی ارائه دهد تا در مورد آنها تصمیم گیری شود.

9- بمنظور انتقال تجربه از هیات هماهنگ کننده قبلی به هیات جدید، ضروری است یک نفر از اعضای هیات پیشین، در جلسات هیات هماهنگ کننده جدید به مدت یکماه بعنوان مشاور حضور داشته باشد.

10- مسئولیت انتشار بیانیه و اطلاعیه ها با هیئت هماهنگ کننده بامکانیزم 48 ساعت گردش و نظرخواهی در درون نهادها میباشد.

تبصره یک: اطلاعیه و بیانیه ها بایستی حتی الامکان کوتاه و روشن در چهارچوب مصوبات و سیاست کلی نهادها و بدون وارد شدن به مباحث پلمیک و نظری باشند.

تبصره دو: اطلاعیه ها بصورت پیش نویس به هیئت هماهنگ کننده ارسال و از آنجا به همه نهادها و منفردین برای نظردهی فرستاده می شوند. اگر نهادی مخالفت یا ملاحظه ای در مورد بیانیه و اطلاعیه داشته باشد، بایستی مورد اصلاحیه اش را مشخص نماید و ارائه دهد. چنانچه نهادی با کلیت بیانیه و اطلاعیه مذکور مخالف باشد، می باید اطلاع دهد، تا نام و امضای آن نهاد در پانین بیانیه درج نشود و اگر نهادی در این رابطه جواب نداد، دلیل بر موافقت با بیانیه پیشنهادی است. زمان مورد نظر برای نظردهی درباره بیانیه و اطلاعیه ها 48 ساعت می باشد.

تبصره سه: در صورتی که نهادی با بیانیه یا اطلاعیه ای توافق نداشته باشد، اسامی سایر نهادها بدون ذکر نام نهاد مخالف، در زیر بیانیه و اطلاعیه آورده می شود. در صورت توافق اکثریت نهادها، ذکر نام تمامی نهادها ضرورتی ندارد.

## پ - ضوابط همکاری ها

1- هریک از نهادها متشکل از افرادی با گرایشات سیاسی گوناگون می باشند، لذا این مجموعه، جریانی چندگرایشی و مستقل از احزاب و سازمانهای سیاسی است و به هیچ وجه گرایشی مجاز نیست خود را بر این مجموعه تحمیل کرده و یا به نوعی این نهادها را زیر مجموعه خود محسوب نماید.

2- مناسبات بین نهادها بر اساس همکاری جمعی است، سمت و سو و تمرکز اصلی آنها بر شرکت در فعالیتهای و همکاری عملی است. در چنین روندی جهت انسجام و صیقل بخشیدن به مسائل فکری در زمینه های نظری، مباحث سیاسی - اجتماعی بر مبنای اهداف جنبش کارگری را در مسیر همکاریهای خویش قرار خواهیم داد ولی تصمیمات سیاسی - نظری گرفته نمیشود.

3 - نهادها در سطح محلی کاملا مستقل بوده و میتوانند راسا و یا با شرکت هر نهاد مترقی دیگری فعالیتهایی داشته باشند. همچنین در صورت عدم توافق با یک برنامه جمعی پیشنهادی به هیچ وجه ملزم به تبعیت و اجرای آن نیستند.

4 - تصمیم گیریها بین نهادها بر اساس تفاهم، اعتماد متقابل، احترام، بحث و اقناع می باشد. در مواردی که نیاز به رای گیری باشد، توافق نصف به علاوه یک اعضای شرکت کننده در نشست ضروری است.

5 - نهادها داوطلبانه در فعالیتهای عملی مشترک شرکت میکنند، و در صورت شرکت، متعهد به انجام آن و سپس دادن گزارش کتبی فعالیت های خود به مجمع عمومی می باشند.

6 - هیچ نهادی حق ارائه بیرونی اسناد و گزارشات جلسات درونی نهادها و همچنین سمینارها و جلسات عمومی در سطوح مختلف، بدون توافق کلیه نهادها را ندارد.

7 - نهادها موظف به ارائه گزارش اقدامات شش ماهه خود میباشند. این گزارشات می باید یک ماه پیش از مجمع عمومی حضوری یا پالتاکی به هیئت هماهنگ کننده ارسال شوند تا برای اطلاع در اختیار نهادها گذاشته شود.

8 - نهادهای همبستگی باجنبش کارگری، بنا به تعریف، جمع نهادهاست و ترجیح و تشویق آن برای نهادهای متشکل درکشورها و شهرهای مختلف و پرهیز از انفراد و تک یاختگی است. با این حال خود را از توان و تجربه فعالین کارگری در خارج از کشور که به هر دلیل بصورت نهاد محلی عمل نمیکنند بی نیاز نمی داند و آنان را به همکاری دعوت می کند.

واحد های محلی نهادها ی همبستگی در سطح کشورها برای امکان همکاری و هماهنگی میان نهادها ایجاد شده اند تا یک جمع بزرگتر و فراگیرتر از تک نهادها ایجاد شود، یعنی روش کار نهادها نباید در جهت تانید انفرادگرائی و میدان دادن به آن باشد. همکاری منفرد بین باجمع نهادها بر قبول این اصل بنیادی و بدیهی استوار است که نهادها شالوده این جمع و همکاری را تشکیل میدهند و موازین و شرایط کار و همکاری با منفردین در هیچ موردی نباید اساس موجودیت نهادی را تحت الشعاع قرار دهد.

9 - هر متقاضی عضویت انفرادی را می باید حد اقل یکی از اعضای نهادها معرفی کند.

10- عضو منفرد می بایست بصورت فعال در یکی از فعالیتهای عمومی نهادها از جمله کمیسیونها شرکت داشته باشد. عضومنفرد در صورت غیرفعال بودن در فعالیتهای عمومی نهادها، تنها برخوردار از حق رأی مشورتی است. توصیه می شود بمنظور اهمیت فعالیت دسته جمعی ونهادی و پیشبرد بهترین نوع فعالیتها، از هر نهاد حداقل یک رفیق در یکی از فعالیتهای عمومی شرکت فعال داشته باشد.

11 - عضومنفرد نمی تواند به عضویت هیئت هماهنگ کننده نهادها انتخاب شود اما میتواند مسئولیت کمیسیون های و گروههای کاری را برعهده گیرد.

12 - مناسبات در درون نهادها می باید بر شفافیت و صداقت و صراحت استوار باشد. هنرها و عضونهاد و هر عضومنفرد حق دارد در رابطه با مباحث و تدارکات تصمیمات و یا اختلافات موجود، به طرح آزادانه نظرات خود و جلب نظر دیگران بپردازد اما این کار باید با انتشار علنی متن مربوطه در جمع نهادها و دعوت عمومی به امضای موافقین آن باشد.

13 - کسانی که از نهادها اخراج و یا به هر دلیلی جدا می شوند، برای پذیرش دوباره در نهادها پروسه عضویت منفردین مستقل را طی می نمایند.

14 - هر عضو و هر نهادی که در هر نشست امپریالیستی و آلترناتیوسازی بورژوازی که در چهارچوب تائید نهادها قرار ندارد، شرکت کند، بایستی پاسخگو در برابر نهادها باشد.

چنانچه رفیق یا نهاد شرکت کننده در چنین جلساتی، با آگاهی از ماهیت نشست در آن شرکت کرده و از این عمل خود دفاع نماید، بلا فاصله عضویت فرد یا نهاد مربوطه از طرف هیئت هماهنگ کننده تا مجمع پیش رویه تعلیق درمی آید و تصمیم قطعی در مجمع عمومی گرفته خواهد شد.

اولین مجمع عمومی پس از تعلیق، وضعیت قطعی رفیق یا نهاد مربوطه را تعیین خواهد کرد و صورت مسئله برپایه گزارش هیئت هماهنگ کننده در سطح جنبش انتشار داده می شود.

در صورت برگزاری چنین جلسه ای، فرد یا نهادی که تمایل به شرکت در آن را دارد، چنانچه به صورت نهاد همبستگی شرکت میکند، می بایست به هیئت هماهنگ کننده اطلاع دهند تا آن اجلاس و یا نحوه شرکت در آن، مورد توافق مجمع عمومی نهادها قرار گیرد.

چنانچه در شرایط ایجاد شده کوچکترین ناروشتی وجود داشته باشد، هیئت هماهنگ کننده موظف است پیش از هر عمل یا تصمیم گیری، فراخوانی جهت برگزاری مجمع عمومی فوق العاده بدهد تا مسئله در آن مجمع، مورد بررسی قرار گیرد.

15 - نهادها حتماً باید در پنج مقطع زمانی معین، واکنش مقتضی را در قالب بیانیه و اطلاعیه و یا در دستور گذاشتن یک کمپین، نشان دهند. اینها عبارتند از: اول ماه مه، سالگرد کشتار زندانیان سیاسی دهه شصت، سالگرد کشتار کارگران خاتون آباد، هشت مارس، کمپین برای آزادی کارگران زندانی.

## پیام همدردی و همبستگی

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران- خارج کشور

# به بازماندگان فاجعه معدن سوما در غرب ترکیه

## برخیز ای داغ لعنت خورده!

اولین خبر فاجعه انفجار یک معدن ذغال سنگ در شهر "سما" در استان مانیسا در غرب ترکیه با تعداد 120 قربانی شروع شد، 150، 180، 245 و تا این لحظه به 282 نفر رسیده است با اضافه 80 نفر مجروح سوختگی و هنوز شمارش همچنان ادامه دارد، زیرا با وجود پمپاژ اکسیژن و نجات 400 نفر، از 380 معدنچی محبوس دیگر در عمق 1600 متری این معدن قطع امید شده و احتمال می‌رود تعداد کشته‌شدگان این حادثه به 700-800 نفر برسند. این نوع "حوادث" و جان باختن بی شمار این "داغ نفرت خوردگان" زمین دیگر امری عادی و بخشی از مکانیسم نظام سرمایه شده است، که در سراسر جهان هر روزه شاهد آن هستیم. از معادن یا قربانگاه‌های بزرگ چین گرفته که هر روزه اخبار جان باختن تعدادی کارگر در مسلخ‌های منتشر می‌شود، تا نظیر همین حوادث در "معادن" یا بهتر است بگوییم "مقابر" برزیل، بولیوی، پرو، اسپانیا، یورکشایر، خاتون آباد و مس سرچشمه در ایران، افغانستان، ماریکانا در آفریقای جنوبی و حالا معدن ذغال سنگ سوما در ترکیه، یکی از فاجعه‌بارترین دردهای مشترک طبقه کارگر جهانی است که صرفاً نظام سرمایه برای کسب سود هرچه بیشتر و پائین آوردن هزینه‌ها، به قیمت جان شریف‌ترین انسان‌ها، با خودداری از تأمین وسائل ایمنی ضروری و پرداخت هزینه‌های آنها، اقدام به "صرفه جویی" کرده و این فجایع را به طبقه کارگر تحمیل می‌کند. از این رو چنین رویداد دردناکی، نه "حادثه" و نه "فاجعه" ای معمولی یا طبیعی است، بلکه جنایتی است آشکار و سیستماتیک ناشی از این سیستم ضد انسانی و ضد کارگری که بدون گرفتن جان چنین قربانی‌هایی، به هدف کسب حداکثر سود نائل نمی‌شود. در این رابطه دولت اردوغان که قبلاً از تصویب طرح امنیتی معادن سر باز زده بود، سالوسانه با اعلام سه روز عزای عمومی و به تعویق انداختن سفر خود به آلبانی، با شدیدترین تدابیر امنیتی و در میان پلیس ضد شورش در محل انفجار حضور پیدا کرد تا با خانواده‌های قربانیان این جنایت "ابراز همدردی" نماید. اما خشم فروخته مردم محل و خانواده‌های کارگران جانباخته و هم طبقه‌ای‌های آنان با سنگ پرائی به او و بطرف ماشین‌اش، شعار اردوغان اردوغان استعفاء استعفاء سر دادند. بنابراین در برابر چنین جنایاتی تنها راه مداوای درد مشترک "داغ نفرت خوردگان" زمین در سراسر جهان، طبق رهنمود "انترناسیونال" چنین است:

**"باید از ریشه براندازیم کهنه جهان جور و بند و آنگه نوین جهانی سازیم، هیچ بودگان هرچیز گرند"**

زیرا تا این نظام پابرجاست، این جنایات و قربانی‌ها نیز ادامه خواهند داشت.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران- خارج کشور، ضمن محکوم کردن مسئولین مستقیم این جنایت، - از صاحبان اصلی معدن گرفته تا دولت اردوغان که بی‌شمارانه چنین جنایتی را "حادثه ای کوچک" خواند - و ملزم کردن به محاکمه مجرمین و پرداخت خسارت به بازماندگان و تأمین زندگی شرافتمندانه آنان، مراتب همدردی عمیق و همبستگی خود را با این عزیزان، طبقه کارگر و مردم زحمتکش در ترکیه ابراز می‌داریم و همدوش آنان برای ساختن "نوین جهانی" که بهای یک لقمه نان برای سفره خانواده یک کارگر به قیمت جانش تمام نشود، تا آخر خواهیم ایستاد.

**نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران- خارج کشور**

## یورش وحشیانه رژیم ضد کارگری به تجمعات اول ماه مه را قویا محکوم می کنیم!

### تنها با مقاومت و همبستگی وسیع تر می توان تهاجم رژیم را در هم شکست!

"سنگی را که ارتجاع برمی دارد، به روی پای خودش می افتد."

اول ماه مه سال ۱۳۹۳ را پشت سر گذاشتیم. صف بندی نیروی کار با تمامی گرایشات موجود در جنبش کارگری ایران در برابر نظام سرمایه داری و نمایشات دولتی و شبه کارگری نشان داد، که تضاد مبارزه بین کار و سرمایه همچنان آشتی ناپذیر و نیروی کارگران با بهره گیری از فرصت اول ماه مه روز جهانی کارگر در برابر هر نوع ممنوعیت و جو امنیتی و پلیسی جامعه در این روز، بیش از هر وقت به صف بندی مستقل خویش در برابر رژیم ضد کارگری اسلامی ایران پای می فشارد.

تحركات امسال در سطح تهران بزرگ و دیگر شهرها و مناطق هرچند با دشواری پیش رفت ولی نشان داد که طبقه کارگر در برابر نمایشات فرمایشی رژیم به کار خود در روز اول ماه مه پای فشرد و برای پیش کشیدن مطالبات بی پاسخ مانده اش از مبارزه باز نمی ایستد.

ما شاهد این هستیم با دستگیری فعالین اتحادیه آزاد کارگری در تهران قبل از اول ماه مه که منجر به دستگیری جعفر عظیم زاده و جمیل محمدی و الان نیز حکم بازداشت موقت آنان صادر گردید و در روز اول ماه مه نیز دو فعال دیگر این جریان در برابر اجتماع وزارت کار دستگیر شدند. دستگیری ۲۳ نفر از فعالین سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، در روز اول ماه مه که علیرغم اعلام ممنوعیت، به تظاهرات پرداخته بودند، نیز چندان طول نکشید که رژیم ناگزیر به آزادی آنان شد. همینطور دستگاه های امنیتی و اطلاعاتی شهر سنندج با احضار و تهدید کارگران و فعالین کارگری و اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، و اعمال فشار بر آنان، بار دیگر مخالفت آشکار خود را با برگزاری هرگونه مراسم مستقلی ابراز داشته در این رابطه برپایه اطلاعاتی کمیته هماهنگی آمده است: «... وفا قادری، فریدین میرکی، یدالله صمدی، آرام زندی، فواد زندی، شورش کریمی و جلیل محمدی تنها بخشی از فعالینی بودند که با احضارشان به ستاد خبری اداره ی اطلاعات سنندج، مورد آزار و اذیت بازجویان اطلاعات قرار گرفته اند. ...»



اما کینه و نفرت ذاتی سرمایه داران و دولت حامی‌شان از طبقه کارگر و سرشکستگی ناشی از عدم موفقیت در اقدامات سرکوبگرانه فوق از یکسو و وحشت از رشد و تداوم جنبش کارگری و مبارزات توده‌های مردم در نتیجه‌ی این موفقیت‌ها موجب شد که رژیم وحشیانه بار دیگر بخش دیگری از کارگران فلزکار میکانیک را در گلکشت روز بعد از اول ماه مه مورد تهاجم قرار داده و تعدادی را دستگیر کند.

در همین رابطه طی خبری آمده است :

"مازیار گیلانی نژاد (عضو سندیکای کارگران فلزکار مکانیک) به همراه تعداد زیادی از سایر اعضا و خانواده هایشان، مضروب و بازداشت شد که به مکان نامعلومی منتقل گردید.

امروز جمعه قرار بود که در یک باغ خصوصی در روستای اقشت در منطقه برغان کرج، جشن خانوادگی روز کارگر (با حضور کارگران و خانواده هایشان) توسط سندیکای کارگران فلزکار مکانیک و گروه‌های کوهنوردی کارگری به طور کاملا خصوصی و غیرعلنی برگزار شود که ... در ساعت شش صبح با حمله نیروهای لباس شخصی و انتظامی به باغ، تمامی افراد حاضر در این مکان را دستگیر و بازداشت کردند و با پلمب کردن درب باغ، همه مراجعین به محل برگزاری مراسم را دستگیر میکردند و با اعزام تعداد بسیار زیاد نیروهای امنیتی و انتظامی، در سرتاسر جاده برغان به شیوه حکومت نظامی!، به بازرسی تمام خودروها و رهگذران میپرداختند و چنانچه خودروهای عازم به این جشن کارگری را میدیدند فوراً اقدام به ضرب و شتم و دستگیری آنها و ضبط خودروهایشان میکردند. حتی چندین اتوبوس که حامل کارگران و خانواده هایشان بود توقیف و کلیه مسافرینش را بازداشت کردند.

تعداد دستگیرشدگان، بیشمار و نامشخص است که همگی به مکان نامعلومی منتقل شده اند که هیچ خبری از حال آنان در دست نیست. مازیار گیلانی نژاد از نخستین مضروب شدگان و بازداشتیهای امروز بود.

بعدازظهر، یکی از اعضای سندیکای کارگران فلزکار مکانیک، در پی یافتن اعضای بازداشتی، با مراجعه به زندان رجائی شهر، پاسخی از مسئولین این زندان دریافت نکرد... روز کارگر مبارک!!!!!!"

باید یاد آور گردیم ؛ رودرویی با مقاومت ورزی شاهرخ زمانی و دفاع او در اعتصاب غذایی که در امر پشتیبانی از درویش زندانی در زندان رجایی شهر انجام گرفته و تبعید او برای تحقیر و توهین و آزار به زندان قزل حصار و زندانیان عادی، وسیله ادامه

اعتصاب غذایش شده که پس از ۴۷ روز اعتصاب غذای درمقابل حمایت‌ها و اعتراضات گسترده، رژیم وادار به پذیرش خواست‌های محقانه شاهرخ شد و وی را به زندان گوهردشت بازگرداند.

حمله وحشیانه به زندانیان سیاسی بند ۳۰۵ زندان اوین، سنگ‌دیگری بود که ارتجاع حاکم به منظور ارباب و زهر چشم گرفتن از زندانیان بلند کرد، اما با مبارزات چشمگیر خانواده‌ها و مردم آزاده و اعتراضات وسیع بین‌المللی، چنان به روی پایش افتاد که برای عوام‌فریبی ناگزیر به برکناری رئیس زندان شد.

گسیل داشتن عده‌ای از همان زندانیان به سلول انفرادی نیز با مقاومت و اعتصاب غذای آنان و اعتراضات گسترده، به ضد خود تبدیل شد و رژیم ناچار به عقب‌نشینی دیگری شد و این عزیزان پیروزمندانه به بند عمومی بازگشتند. بنا به خبرهای رسیده بهنام ابراهیم زاده به بند 209 وزارت اطلاعات منتقل شده است و تا به امروز از وضعیت وی هیچ اطلاعی در دست نیست.

یاد آوری همه این فاکت‌های اشکار که تا به امروز از سد سانسور مطبوعات رژیم گذشته و به گسترده‌ترین شکل ممکنه بازتاب یافت، این پرسش را مطرح می‌سازد: چه چیزی به جز وحشت و ترس از اعتلای جنبش مردمی و مبارزات کارگران، درگسترش گرامی داشت رزم مشترک کارگران در اول ماه مه امسال، رژیم را این‌گونه سراسیمه و خوابش را آشفته کرده که حتّا تاب تحمل پخش شیرینی کارگران در روز جشن و رزم خود و یا یک اجتماع خانوادگی کارگری در یک روز تعطیل و در نقطه‌ای دورافتاده را هم ندارد؟ از این رو این چنین کینه‌توزانه و به عبث باز هم سنگ‌هایی برمی‌دارد که یقیناً به روی پای خودش می‌افتد.

کارگران مبارز؛ نباید به رژیم فرصت داد، با تکیه بر تجارب مثبت و پیروزمند اول ماه مه امسال، با اتحاد و همبستگی بیشتر، اعتراضات و آکسیون‌های وسیعی را در هر جا که هستیم سازماندهی کرده و قاطعانه تا آزادی هرچه سریع‌تر کارگران دستگیر شده و زندانی، ادامه دهیم.

**دروود بر دلاوری کارگران مبارز!**

**کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!**

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۳ - ۷ می ۲۰۱۴

## پیام سندیکاهای فرانسه به کارگران ایران

چندین سال است که ما سازمان های سندیکائی فرانسوی س اف د ت، س ژ ت، اف اس او، سولیدر، او ان اس آ، مشترکاً از مبارزات شما در دفاع از حقوق و آزادی های حمایت می کنیم. ما بخوبی واقفیم که شما تحت شرایط سرکوب شدید اعمال شده توسط دولت ایران، و در شرایط کار و زندگی بسیار سخت برای مردم ایران، مبارزه اتان را به پیش می برید.

حق ایجاد آزادانه تشکلات سندیکائی، و پیوستن به تشکلات واقعا مستقلی که کارگران زن و مرد در آن ها خود را سازمان دهند، خواسته های برحقى هستند که تماماً توسط حقوق بین المللی به رسمیت شناخته شده اند. ما از خواست شما از دولت ایران در رعایت این حقوق حمایت می کنیم.

ما اخراج بی رویه کارگران، زندانی شدن و اعمال فشارهای قوه قضائیه بر زنان و مردانی که قربانیان دفاع از حقوق ابتدائی و خواستار ایجاد سندیکای مستقل هستند، را محکوم می کنیم. در حال حاضر ما یک کارزار ویژه در حمایت از رضا شهابی و شاهرخ زمانی به پیش می بریم. ما برای آزادی بدون قید و شرط تمام سندیکالیست های زندانی تلاش می کنیم و به منظور تغییر این شرایط غیرقابل قبول به افشای سرکوب در همه اشکالش می پردازیم.

به مناسبت اول مه، روز جهانی همبستگی، ما حمایت تام و خدشه ناپذیرمان را از پیکار سختی که برای رسیدن به آزادی همه زنان و مردان، برای کرامت همه کارگران، و برای رعایت حقوق بشر، درگیرید، مجددا اعلام می کنیم.

CFDT : Philippe Réau preau@cfdt.fr

CGT : Ozlem Yildirim o.yildirim@cgt.fr

FSU : Michelle Olivier michelle.olivier@snuipp.fr

Solidaires : Christian Mahieux mahieux@solidaires.org

UNSA : Emilie Trigo emilie.trigo@unsa.org

ترجمه و پخش از :

همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - فرانسه

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران - پاریس

# ریشه های جنبش کارگری

## جنبش کارگری بی بوته نیست!

از زمانی که حاج حسن اصفهانی (امین الضرب) پیلهور و صراف سابق، بازرگان بزرگ بین‌المللی و کارخانه دار و سرمایه گذار بعدی و خدمتگذار دربار قاجار و اشراف در سال 1885 میلادی اولین کارخانجات ابریشم ریسی در رشت و چینی سازی در تهران و ریسندگی و پشم بافی در قم و رفسنجان و کرمانشاه و معادن در مازندران و کرمان و ... را در ایران تأسیس کرد، یعنی حدود 130 سال پیش و با اجیر کردن و استثمار صدها کارگر، نطفه سرمایه داری را در ایران بنا گذاشت، اعتراض، مبارزه و جنبش کارگری در ایران نیز آغاز شد و پا گرفت و رشد کرد.

تاریخ، بسیاری از این مبارزات و جنبش‌ها و فعالین به نام آن را ثبت کرده است، که این اسناد می‌توانست و می‌تواند پشتوانه تداوم مبارزات و رشد جنبش باشد. اما سرمایه‌داران و دولت‌های حامی آنها با درک این خطر و از هراس رشد و تداوم جنبش کارگری، علاوه بر تحریف تاریخ و سانسور و جلوگیری از ثبت و نشر این اسناد، با سرکوب و حشیانه مداوم و اعدام فعالین کارگری و در مواردی قتل عام خیزش‌های کارگری، سعی در محو این سوابق از صفحات تاریخ نموده تا با انقطاع نسل‌ها از پاگیری و اعتلاء مجدد جنبش کارگری جلوگیری کرده و نسل جوان کارگران را ناچار به شروع کردن از صفر بکنند. زهی خیال باطل!

بخشی مهم از این اسناد از دست رفته زندگی نامه، تجارب و آموزش‌های عملی صدها فعالین برجسته جنبش کارگری و هزاران فعال جانب‌باخته گمنام این جنبش‌هاست. یادنامه آنها نه به منظور مجلس ختم و فاتحه خوانی و مراسم ترحیم سنتی است، بلکه علاوه بر قدردانی و تجلیل از خدمات و مبارزاتشان در خدمت جنبش کارگری و علاوه بر آموختن از تجارب، آموزش‌ها، رهنمودها و دست‌آورد هایشان در انطباق با شرایط امروز، از یکسو مقابله و مبارزه با تلاش‌های دشمنان طبقاتی برای محو گذشته این جنبش و کوشش آنها در انقطاع نسل‌ها، با حفظ و احیاء و تثبیت این سوابق و اسناد است و از سوی دیگر اثبات این واقعیت که جنبش کارگری بی ریشه نیست!

با تجلیل از این تاریخ پرافتخار و با یاد عزیز جان باختگان این جنبش، ما این ستون را با تأکید بر اهداف فوق به معرفی این اسناد همیشه زنده و جاوید جنبش کارگری اختصاص می‌دهیم و می‌کوشیم در درجه اول به فعالین گمنام بپردازیم و از این‌رو از همه شما خوانندگان عزیز دعوت و تقاضا می‌کنیم دست ما را بگیرید و برای تداوم این امر مهم ما را یاری رسانده و هر نوع اطلاعات یا اسنادی در این زمینه دارید و یا اشخاصی را می‌شناسید در اختیار ما گذاشته و به نوبه خود در این کار بزرگ سهیم شوید.

## دروود بر تمامی جانب‌باختگان و درگذشتگان مبارز جنبش کارگری

## قهرمانان گمنام جنبش کارگری همیشه زنده اند



برگرفته از "پیام سندیکا" شماره 24 - آذر 1392

### علی انوشه، کارگر زحمتکش خیاط

درگذشت. او که برای بازگشایی سندیکای خیاط، همراه بزرگانی همچون محسن سجادی، هوشنگ زرین کلک، محمود حمیدی در سال 57 کوشید و به حق مورد اعتماد کارگران واقع شد و به عضویت هیئت مدیره سندیکای کارگران خیاط در همان سال از طرف کارگران خیاط انتخاب شد. علی انوشه تا سال 1361 همچنان به کار سندیکایی خود ادامه داد و در آن سال به همراه دیگر بزرگان سندیکایی دستگیر و زندانی شد. علی انوشه پس از آزادی نیز به مدت یک سال به همراه دیگر اعضای هیئت مدیره و فعالان سندیکای خیاط به جمع‌آوری هزاران امضاء برای خلاصی دوستان سندیکایش ادامه داد. او از تبار کارگران سندیکایی بود که در دههٔ چهل برای داشتن آب یخ و پنکه در کارگاه‌های خیاطی برای کارگران مبارزه کرده بود. اینان گمنام آمدند و بدون هیچ چشمداشتی وظایف کارگری خود را انجام دادند و گمنام رفتند. اما دست‌آورد هایشان همچنان برای کارگران ماندنی و نازدونی است. ما از دست دادن یکی دیگر از فرزندان خلق را به یاران سندیکای خیاط و خانوادهٔ محترم این زنده یاد تسلیت می‌گوییم.

به مناسبت اول ماه مه و یادآوری مبارزات کوشندگان کارگری. پیام سندیکا

### تقی باقری؛

## مبارز نامدار جنبش کارگری - سندیکایی

تقی باقری به عنوان یک فعال کارگری از چهره‌های پر افتخار جنبش کارگری میهن ماست. او فردی بسیار مردمی و مورد اعتماد کامل کارگران بود. باقری به عنوان کارگر در کارخانه‌های دخانیات کار می‌کرد. موسسه دخانیات در سال‌های دهه 20 تا کودتای 28 مرداد، یکی از مراکز مهم و اصلی کارگری بود و سندیکای کارگران دخانیات که تقی باقری در رهبری آن قرار گرفت از فعال‌ترین و پیشروترین تشکل‌های آن دوران به شمار می‌آید.

در سال‌های دهه بیست خورشیدی کارخانه‌های مرکزی دخانیات، کارخانه‌های سیلوی تهران، چیت سازی، سیمان تهران، تاسیسات راه آهن و صنعت نفت خوزستان و کارخانه‌های نساجی اصفهان و مازندران از جمله تکیه گاه‌های جنبش کارگری بودند و سندیکاهاى این واحدهای صنعتی نقشی بزرگ و برجسته در مبارزات صنفی - سندیکایی و نیز جنبش ملی کردن صنعت نفت داشتند. تقی باقری به عنوان یک رهبر آگاه و مدبر سندیکایی در راس سندیکای کارگران دخانیات مروج اصول اصیل و رزمجویانه فعالیت سندیکایی بود. او نظیر علی امید و دیگر رهبران سندیکایی در تشکیل پای صنفی کارگران و تاسیس سندیکاهاى کارگری بر پایه صحیح طبقاتی نقش مهم و تاریخی ایفا کرد. او از زمره رهبران سندیکایی بود که رعایت موازین فعالیت سندیکایی و دوری جستن از هرگونه انحراف در جنبش سندیکایی را گوشزد کرده و با آن مقابله می نمود. او اعتقاد داشت جنبش سندیکایی ضمن استقلال خود یک نیروی خنثا و بی طرف نیست. به دلیل نقش بارز تقی باقری در جنبش سندیکایی او همواره مورد پیگرد دشمنان طبقه کارگر و ارتجاع و دربار پهلوی بود. تقی باقری از زمره رهبران شورای متحده مرکزی کارگران بود که 8 ساعت کار، دستمزد روز جمعه و قانون کار از دستاوردهایشان بود. نقش تقی باقری و اتحادیه کارگران دخانیات در نهادینه کردن حقوق کارگران در دخانیات از جمله افتخارات سندیکاهاى کارگری است. شورای متحده مرکزی تقی باقری ها را با روحیه همبستگی کارگری آنچنان پرورش داد که اعتصابات کارگری با همبستگی و اعلام حمایت اتحادیه کارگران سیلو و دخانیات و راه آهن و چیت سازی به پیروزی می رسید و حتا دولت توان مقابله با این اتحادیه های کارگری را در خود نمی دید. رهبران کارگری پرورش یافته در شورای متحده اتحادیه های کارگری را فقط در مسیر مبارزات اقتصادی نمی دیدند. نقش سندیکای کارگران دخانیات تحت رهبری تقی باقری همراه با سندیکاهاى کارگران چیت سازی، سیمان تهران و دیگر کارخانجات در به پیروزی رساندن خیزش ملی 30 تیر سال 1331 فراموش نشدنی است. نخستین جرعه خیزش ملی 30 تیر که در جهت مخالفت با نخست وزیری قوام و بازگرداندن دکتر محمد مصدق به نخست وزیری و مخالفت با دربار و محمدرضا پهلوی بود، با اعلام اعتصاب کارخانه‌های سیلو، دخانیات، سیمان تهران و چیت سازی و راه آهن زده شد. تقی باقری، این رزمنده آگاه طبقه کارگر در رأس این اعتصابات و از رهبران آن بود. در 1331/4/30 - شعارهای کارگران: مرگ بر استبداد، دست شاه از دخالت در امور کشور کوتاه، مرگ بر قوام خائن، مرگ بر اشرف، مرگ بر شاه، یامرگ یامصدق، زنده بادمصدق، از جان خودگذشتم - باخون خود نوشتم - یامرگ یا آزادی، بود. پس از کودتای انگلیسی - آمریکایی 28 مرداد تقی باقری بازداشت و روانه سیاه چال شد. او را برای بزانو درآوردن به جزیره خارک تبعید کردند. او مورد انواع شکنجه و آزار قرار گرفت اما به آرمان طبقه کارگر پشت نکرد. پس از آزادی از زندان به قزوین تبعید شد. زندگی دشوار و مشکلات فراوان را تحمل نمود و با اراده‌ای آهنین به اندیشه‌های خود و منافع طبقه کارگر وفادار ماند. تقی باقری بعدها بر اثر ناملایمات زندگی و فشارهای زندان بیمار شد. در بیمارستان هنگام یک عمل جراحی با زندگی وداع کرد. مراسم یادبود او باشکوه فراوان برگزار و بویژه کارگران دخانیات از این قهرمان خود تجلیل کردند. او در گورستان ابن بابویه به خاک سپرده شد. نام ارجمند تقی باقری در صفحات تاریخ جنبش کارگری - سندیکایی ایران می درخشد. او نمونه یک کارگر مقاوم و ثابت قدم و یک رهبر آگاه جنبش سندیکایی بود! از او بیاموزیم و بکار ببندیم.



# برای آزادی فوری، بدون قید و شرط کارگران زندانی

و دیگر زندانیان سیاسی به هر شکل که میتوانیم، بکوشیم!

رژیم ضد کارگر در ایران به وحشیانه ترین شکلی  
با زندانیان سیاسی رفتار می کند.  
رژیم سرمایه داری  
شکنجه های جسمی و روحی قرون وسطائی،  
علیه زندانیان سیاسی اعمال میکند.  
رژیم ضد کارگر در ایران احکام سنگین و  
سالها بازداشت برای کارگران زندانی و  
شروط و وثیقه های سنگینی  
برای آزادی موقتی کارگران تصویب می کند.  
رژیم حامی سرمایه برای خالی تر کردن سفره کارگران، جریمه های نقدی سنگینی را بر  
کارگران برای آزادی از زندان تحمیل می کند.  
رژیم انسان کش، زندانی می کند، شکنجه میکند، اعدام می کند.  
تا طبقه کارگر و جامعه را به سکوت وا دار نماید.  
باید بر علیه این وضعیت برخاست. باید و می توان رژیم را بعقب نشینی وا داشت.  
نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور  
همه کارگران و فعالین کارگری، سازمانها، تشکلهای، گروهها و ... را فرامیخواند که به  
هر شکل و با هر توانی که دارند  
کمپنهای سراسری برای آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی سازماندهی  
نموده و شرکت نمایند،  
تا شرایط آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان  
سیاسی هرچه بیشتر، فراهم گردد.

به کمپنهای آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی بپیوندید!  
کمپین آزادی کارگران زندانی را تقویت کنید و خواست آزادی کارگران  
را هر چه بیشتر به گوش جهانیان برسانیم!

## همبستگی جهانی کارگران مرزی ندارد!

همبستگی و پشتیبانی کارگران،  
سندیکاها، اتحادیه های کارگری،  
نهادهای مترقی و سوسیالیستی و ...  
برای آزادی فوری و بی قید و شرط کارگران زندانی  
ضروری است!

باور داریم که در ایران نیز طبقه کارگر متشکل در شکل های طبقاتی  
و توده ای اش، پایان دهنده زندان، شکنجه، اعدام و کلن نظم موجود  
اجتماعی است. برای کمک و یاری رساندن به این مبارزه، در جهت  
آزادی کارگران زندانی با هر توانی که داریم در خارج و داخل ایران  
بکوشیم. این یک گام واقعی در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی  
سرمایه داری است.

آزادی کارگران زندانی

و تمامی زندانیان سیاسی

درگرو

گسترش مبارزه متحدانه ماست!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور





رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی با شکست انقلاب، به اعدام، زندان، شکنجه، ستم، استثمار و ... که در زمان شاه و سلطنت پهلوی نیز رایج بود، ادامه داد. این رژیم از بدو به قدرت رسیدنش، حمله و سرکوب کارگران و تشکلهای کارگری و دیگر نیروهای اجتماعی مترقی را در دستور داشته است و اکنون در بحران سیاسی و اقتصادی عمیقی فرو رفته است، اما برای نجات خود بار بحران را با بیکاری، گرانی، فقر، گرسنگی و بی خانمانی بردوش اکثریت جامعه گذاشته است. هیچ جناح و دسته و گروه و جمعی از این رژیم دوست کارگران و زحمتکشان نیست. کلیت این نظام باید برچیده شود.

## زندانیهای رژیم مملو از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی است.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور، کارگران و فعالین کارگری، نهادها، تشکلهای، سازمانها، احزاب مترقی و تمامی دوستداران و هواداران جنبش کارگری را فرامیخواند که در هر محل کار، منطقه، شهر و کشوری که هستند، در همراهی با نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران-خارج کشور، آکسیونها، پیکتهای اعتراضی، تظاهرات و تجمعات اعتراضی و ... را سازماندهی کرده و خواهان آزادی کارگران دستگیر شده، کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی شویم.

## تا آزادی تمامی کارگران دستگیر شده، سایر زندانیان سیاسی، مبارزه بیوقفه ادامه دارد.

## برای همبستگی و همیاری بیشتر با جنبش کارگری در ایران به نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور بپیوندید!

کمپینها و کارزارهای دفاع از آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی و تمام زندانیان سیاسی، تا آزادی همگی این عزیزان، بیوقفه ادامه دارد!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران و دیگر فعالین، هوادارن و دوستداران جنبش کارگری تا کنون کمپینها و کارزارهایی بیشماری را با خواست آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی و دیگر زندانیان سیاسی برگزار کرده و نیز در جریان است، سازمانها و نهادهای بین المللی بیشماری به این کمپینها و کارزارها پیوسته و علیه رژیم ضد کارگر در ایران اعتراض کرده و میکنند. این کمپینها و کارزارها تا آزادی تمامی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی ادامه خواهد داشت. نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران همگان را فرا میخواند که به هر شکل که میتوانند، در هر کجا که هستند، با هر توانی که دارند به ایجاد نهادهای همبستگی با جنبش کارگری پرداخته و به هر شکل که میتوانند به ادامه کمپینها و کارزارهای همبستگی با جنبش کارگری در خارج کشور یاری رسانند.

برای آزادی کارگران زندانی و دیگر زندانیان سیاسی بیوقفه به هر شکل و نامی که میتوانیم، بکوشیم.

به کمپینها، کارزارها، اکسیونهای اعتراضی و مبارزاتی، برای همبستگی هرچه بیشتر با جنبش کارگری در ایران و نیز آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی بپیوندید و به هر شکل که می توانید صدای خواسته ها و اعتراضات جنبش کارگری را به گوش همگان برسانید.

## اتحاد مبارزاتی ما، رمز پیروزی ماست!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

## Long live May Day

*Today is May 1st, the world workers day, the international proletariat solidarity day, the First day of workers new year, workers festival.... festival?*

*A festival, for millions of workers living below the poverty line.*

*A festival, for workers receiving minimum wages without any say in these matters.*

*A festival, for billions Rials of workers wealth in social insurance is taken away by capitalists looters.*

*A festival, for millions of unemployed workers putting up with the inhumane capitalist conditions and satisfied with a morsel of bread.*

*A festival, in which women oppressed by extortion, suffer and do not even receive the same wages of male workers.*

*A festival, in which migrant workers of regional countries are in fact slaves, oppressed by extortion and degradation, without any rights.*

*A festival, in which millions of children are born to impoverished families and forced to work on streets or forced into heavy labour instead of seating in classrooms.*

*A festival, in which workers are denied the right to organize, to strike and to protest.*

*A festival, in which even the least protest and demand for justice lead to expulsion, reparation and imprisonment, torture and death. (Reza Shahabi)*

*A festival, in which we deny treatment and recovery to imprisoned workers who are seriously ill. (Mohammad Jarahi)*

*A festival, in which imprisoned workers are denied visitation rights even when their children have cancer. (Behnam Ebrahimzadeh)*

*A festival, in which a champion worker was on hunger strike more than a month, to protest of inhumane and medieval conditions are ignored. (Shahrokh Zamani)*

*A festival in which ...*

*This festival is held at the corner of the world called Iran, in reflection of similar festivals in other parts of the world. The anti-proletariat global system of capital, greatly increasing looting, plundering and exploitation, and workers destined to poverty and being denied their rights, which this system leads to and thus to the counter festival of 1st of May.*

*So that May Day gains in meaning every year.*

*But the international working class, because of its inherent unity, because of its common destiny, and because of its shared pains, despite all this, come together on this day, to renew their vows by shouting the historic slogan: **"Workers of the world unite"**, and stand up for their lost rights, to be freed from imprisonment, to defend their right to independent organizations, to demand a humane life, and finally to overthrow the inhumane capitalism system, and for an achievable Socialism, united and in unison with never-ending energy and effort. The screams of united workers around the world that **"Enough is enough"** declare the arrival of May 1st and the true worker's festival.*

**Long live 1st of May**  
**Workers of the world unite**  
**Imprisoned workers must be released**

*Solidarity Committees with Workers Movement in Iran – abroad*  
*May 2014*

## **Es lebe der erste Mai!**

*Heute ist Maitag, der Welt Arbeitertag, Tag der internationalen Arbeitersolidarität, Anfang das neue Jahr der Arbeiter, die Feier der Arbeiter, die Feier...!?*

*Eine Feier, wo dabei Millionen von Arbeiter unter Armutsgrenze leben!*

*Eine Feier, wo die Arbeiter kein Recht haben, die kleinsten Umsatzarten zu bestimmen und kein Recht und Einfluss auf ihre Arbeit haben, um die Mindestlohn zu bestimmen und andere heben kann!*

*Eine Feier, wo die Arbeiters Vermögenden bei Sozialversicherungen in Milliarden Tomans ( Iranische Währung ) durch die Räuber von Kapital System geplündert wird!*

*Eine Feier, dass jener Millionen Arbeitslosen für ein bisschen Brot ergeben sich unter alle nicht menschlichen Bedingungen von kapitalistischen Gesetzen!*

*Eine Feier, dass werktätige Frauen in Führungspositionen der zwei Stämme von Managern über Unterdrückung und sie kriegen auch keinen gleichen Mindestlohn der Männer!*

*Eine Feier, die Gastarbeiter aus der Länder in der Region, wie Sklaven gespenstisch über Unterdrückung und Ausbeutung und alle Arten Unrecht, Beleidigungen und Demütigungen behandelt werden!*

*Eine Feier, wo Millionen von Kinderarbeitern aufgrund der Armut der Familie, anstatt sitzen sie in einem Klassenzimmer, auf der Straßen Seitenlinie gezwungen und bescheidend für ein bisschen Brot jede schwere, schwierige körperliche und niedrige Arbeit annehmen!*

*Eine Feier, wo die Arbeiter kein Recht zu organisieren, zu streiken und protestieren haben!*

*Eine Feier, wo der kleinsten Protest und jeder Schritt zu Arbeitsrecht zu verteidigen, mit der Entlassung, Inhaftierung, Folter und Todes Strafe verurteilt werden!*

*Eine Feier, wo der Gewerkschaftsführer, Reza Schahabi wurde in das Krankenhaus geliefert, damit er behandelt wird. Aber seine Behandlung wurde abgebrochen und er wurde sofort ins Gefängnis geliefert.*

*Eine Feier, wo eine andere Gefangene Arbeiter wie Mohammad Djarahi mit mehrere schlimme Krankheiten, darf nicht behandelt werden und darf das Gefängnis nicht verlassen.*

*Eine Feier, wo der eingesperrte Patient, die einem Arbeitnehmer Behnam Ebrahimzadeh , bekommt keine Auszeit, um seiner Krebskranken Kind zu besuchen!*

*Eine Feier, wo ein Kämpferischer Arbeiter wie Schahrokh Zamani, wegen die unmenschlichen und mittelalterliche Bedingungen 38 Tage im Hungerstreik war, aber der Regierung reagiert auf keiner Lei an seine rechtlicher Förderungen, bis er umfällt.*

*Eine Feier, wo...!*

*Solcher „Fest“ wird In einer Ecke der Welt gefeiert, Namen: Iran, das ist schon ein gleicher Bild von der „Festen“ in anderen ähnlicher Länder der Welt.*

*Das globale Kapital und Antiarbeiter System, siegreich auf dem Pferd, hat so weit geplündert und ausgebeutet das wegen dadurch aufzwingenden Armut und Not und Rechtlosigkeit auf die Arbeiter, ist ihnen nicht mehr genügend Kraft und Grund geblieben um eine echte Maifest zu feiern! Es ist nicht ohne Grund dass jedes Jahr die 1. Mai Programmen dünner und Schwächer wird.*

*Aber die Weltklasse Arbeiter, aufgrund seine Wesentlicher Solidarität auch das gleiche Schicksal und gemeinsamen Schmerzen, trotz dieser Situation, an diesem Tag zusammengefügt werden, Faust knoten und mit das Geschichtebildende Schlagwort: „**Arbeiter aller Länder vereinigt euch!**“, Erneuern ihre Bündnis um ihrer verlorenen Rechte wieder zu erreichen, für die Freilassung die Arbeiter Kameraden aus dem Gefängnis, um unabhängige Organisationen zu aufbauen, die ein menschliches Leben zu schaffen und schließlich zu stürzen das unmenschliche System des Kapitalismus und die Einrichtung des Sozialismus, zusammen und mit klangvollen Stimme und konsequent weiter gehen. Die laute Stimme die Arbeiter der ganzen Welt, an dem globalen Kapitalismus: „**Das Reicht!**“ ist eine fröhliche Botschaft das echte 1. Mai will kommen und die Arbeiter können ihre richtige Fest feiern.*

**Es lebe der erste Mai!**

**Proletarier aller Länder, vereinigt euch!**

**Freiheit für alle politischen Gefangenen Arbeiter!**

**Solidarität Vereine mit Arbeiterbewegung im Iran - im Ausland**

**1. Mai 2014**

## **Længe leve 1. Maj**

*I dag er det 1. Maj, arbejdernes dag, den internationale proletaritets solidaritets dag, den første dag i arbejdernes nye år, arbejdernes festival.. festival?*

*En festival for millioner af arbejdere der lever under fatigdomsgrænsen.*

*En festival for arbejdere der tjener under minimumsløn, uden noget at skulle sige.*

*En festival for billioner af Rial (iransk valuta) stålet fra arbejderes lommer af kapitalistiske røvere.*

*En festival for millioner af arbejdsløse der accepterer de inhumane kapitalistiske betingelser,*

og ser sig tilfredse med blot en bid brød.

En festival hvori kvinder bliver undertrykt med afpresselse og lidelse uden at modtage den samme løn som deres mandlige kollegaer.

En festival hvori immigrerede arbejder bliver behandlet som slaver, med afpresselse og trusler, uden nogle rettigheder.

En festival hvori millioner af børn bliver født i fattige familier, og er tvunget til at arbejde på gaderne eller andet hårdt arbejde, i stedet for at sidde i et klasseværelse.

En festival hvori arbejdere er nægtet retten til at organisere dem selv, strejke eller protestere.

En festival hvori blot den mindste protest og ønsket om retfærdighed leder til udvisning, fængsling, tortur og døden (**Reza Shahabi**)

En festival hvori alvorligt syge og fængslede arbejdere får nægtet retten til behandling og erstatning (**Mohammad Jarahi**)

En festival hvori fængslede arbejdere får nægtet visitationsrettigheder selv når deres børn har cancer (**Behnam Ebrahimzadeh**)

En festival hvori en fagforeningsleder der var under sultestrejke i over en måned, mod de inhumane og middelalderlige forhold, blev ignoreret

En festival hvori..

Denne festival bliver afholdt i et hjørne af verden kaldet Iran, som en genspejling af lignende festivaler andre steder i verden. Det anti-proletariske globale system øger i høj grad udplyndringen og udnyttelsen af arbejdere, der er blevet bestemt til fattigdom, og får frataget deres rettigheder.

Derfor er 1. Maj en stadig vigtigere dag for hvert år der går.

Men pga. Deres arvede sammenhold, dets fælles mål og skæbne, og dets delte smerter, samles den internationale arbejderklasse denne dag for at forny dets løfter ved at råbe det historiske slogan ” **Proletarer i alle lande, foren jer!**”. Kampen for at genvinde stjålne rettigheder, at blive befriet fra fængslerne, for rettigheden til at danne uafhængige organisationer, for at kræve et humant liv og sidst at styrte det inhumane kapitalistiske system. Skrigene af forenede arbejdere over hele verden om at **”Nok er nok!”** erklærer 1. Maj’s ankomst og den sande arbejders festival

**Længe leve 1. Maj**  
**Proletarer I alle lande, foren jer!**  
**Fængslede arbejdere SKAL løslades**

- Solidarity Committees with Workers Movement in Iran

Oversat af Komiteen til forsvar for Politiske Fanger I Iran (DANMARK)

1. Maj 2014

[www.facebook.com/KomiteenTilForsvarForPolitiskeFangeriIran](http://www.facebook.com/KomiteenTilForsvarForPolitiskeFangeriIran)

[www.kpfiran.dk/](http://www.kpfiran.dk/)

# ***Världens arbetare, Föreana er!***

***Den politiska makten är i felaktiga händer! Makten måste flyttas över till oss alla! Då är alla människor verkligen är delaktiga och bestämmer över våra egna öden! Första maj är en av de viktigaste dagarna för hela mänskligheten världen över. Första maj är den dag då arbetarna protesterar mot hela det kapitalistiska systemets förtryck som drabbar människorna. Arbetarklassen visar på första maj sin styrka för borgerligheten och makthavarna och kräver ett mänskligt samhälle utan utsugning och lönearbete.***

Vi vet att första Maj-firande fortfarande är förbjudet i många länder. Många stater attackerar arbetarnas möten och demonstrationer med militära styrkor. Vissa länder arrangerar själva statliga firanden och vill få arbetarna till statister. De försöker mana arbetarna till tålamod och säger att kompromissen är den bästa utvägen samt erbjuder samarbete med kapitalet för "nationens intressen", "tillväxten" och "konkurrenskraften".

## ***Möjligheter***

Alla vet att världen är full av rikedomar och möjligheter. Men otrygghet och fattigdom tynger majoriteten. Aldrig förr har det mänskliga samhället i så hög grad som idag haft tillgångar och möjligheter till de förutsättningar som krävs för allmänt välstånd, samtidigt har aldrig massorna varit så fullständigt berövade möjligheterna till välfärd. Trots den enorma teknologiska utvecklingen, som skulle kunna tillfredsställa våra materiella behov, används den endast för att öka kapitalets profit.

Den kapitalistiska samhällsordningen med skiftande beteckningar såsom privat eller statlig, demokrati eller diktatur har samma innehåll och visar sig vara helt alternativlösa på alla områden. Det svenska samhället har under många år använts som ett bra exempel på ett kapitalistiskt samhälle. I dag kan vi tydligt se att denna symbol sedan länge varit obrukbar, eftersom välfärdsstaten begravdes utan några ceremonier. I detta högt utvecklade kapitalistiska land möter man ett stort antal människor som lever under svåra levnadsförhållanden och vars försörjning blivit en olöslig gåta.

## ***Mest organiserade***

De svenska arbetarna, som är bland världens mest organiserade, har förlorat mycket av sina landvinningar under senare år. En viktig faktor är att socialdemokratin har haft stort inflytande bland arbetarorganisationerna. Socialdemokratin utnyttjade och utnyttjar fortfarande arbetarrörelsen för sina borgerliga planlösningar. Många arbetaraktioner och protester i Sverige har inte nått målet därför att arbetarna inte brutit med den socialdemokratiska och borgarligen politiken. Istället för att grundligt ifrågasätta de borgerliga partiernas politik och alternativ, alltså både höger- och vänsterfraktioner som alla är eniga om

lönearbetesystemet och äganderätten, har de kritiserat en del marginella frågor och är därför fortfarande svaga gentemot borgerlighetens attacker.

## **Valet och missnöjet**

På olika sätt visar medborgarna sitt missnöje mot de parlamentariska partierna och visat stor medvetenhet samt vilja till förändring. Det visar också att de inte längre tror på partiernas löften. Bråket de etablerade partierna emellan, handlar inte om de viktiga samhällsfrågorna eller de grundliga krav som verkligen skulle ändra medborgarnas position och situation, utan handlar mest om att tvinga och påverka medborgarna att acceptera nuvarande försämringar och nedskärningar. Arbetarna behöver en organisation, en samling och ett parti som tar upp kampen på ett grundläggande sätt mot kapitalets normer och för ett mänskligt liv.

Det finns alla sorters partier och organisationer för vägar och broar, för träd och skogar, för djur och odjur, för dofter och luft, för cyklister och bilister, för gud och profiter, för den ena och det andra. Men det fattas ett parti för oss som producerar samhällets rikedomar, för oss som skapar och tillgodoser samhällets behov. Det finns olika partier och fackföreningar som utnyttjar arbetarnas namn och försöker att identifiera sig med oss, men de har ingenting att göra med våra krav och intressen.

Vi arbetare behöver både parti och massorganisationer där vi själva bestämmer, gemensamt och kollektivt, där vi själva väljer och avsätter de som inte för fram vår talan, där vi själva deltar aktivt både i arbetslivet och i allt som rör samhället.

## **Ockuperat våra organisationer**

På första maj ser vi oftast att de partierna som dagligen har, med sin borgerliga politik och sina alternativ, skapat en svår situation på alla områden för majoriteten, är första majs organisatörer. Vad ännu värre är, de som är talare på vissa första maj-möten och arrangemang, är samma personer som är delaktiga som försämrar levnadsvillkoren för majoriteten av medborgarna. Talare som själva med sina arbetarfientliga beslut och planer skapat ett helvete och ockuperar första majs talarstolar. Precis som de har ockuperat våra organisationer och samlingar. De försöker, i arbetarnas namn, på arbetarnas dag, tysta ner arbetarna och övertyga dem att det som de har beslutat var det rätta och det enda alternativet. De försöker lura oss med sina billiga valplattformar, att få chansen några år till.

## **Svaga protester**

När det gäller arbetarnas protester och strejker i världsskala ser vi stora attacker från arbetarnas och flertalets sida mot borgerligheten, men fortfarande är slagkraften svag. Det behövs en mer offensiv organisering mot hela borgarklassen. Ett arbetar-internationalistiskt samarbete är livsnödvändigt. Vi bör utbyta mer erfarenhet och närmare kontakter på internationell nivå. Vi har inga nationalistiska intressen, vi har ingen nytta av att delta i den kapitalistiska marknadskonkurrensen. Vi har inget gemensamt med kapitalet och borgerligheten oavsett ursprung, här i Sverige, i Amerika, i Ryssland eller i vilket land som helst. Däremot har vi en gemensam fiende med arbetarna och det arbetande folket i övriga delar av världen. Vi behöver skapa ett samhälle och en värld för allas deltagande och allas behov, oavsett var och vilket område vi händelsevis råkar vara födda i. Våra intressen och idéer tillhör hela mänskligheten. Det är vi som klass som kan göra slut på alla problem i samhället och med egna händer ta makten i samhället, för allas bästa och lycka.



## Det är dags

Det är dags att säga stopp, att säga nej till alla borgerliga partier. Både dem som sitter vid makten eller är i opposition. Det är dags att säga att vi vill avskaffa lönearbetarsystemet, utsugningen och det privata ägandet av produktionsmedlen. Det är dags att säga: vi kan själva styra samhället. Vi kan inte godta rådande förhållanden eller de "lösningar" som innebär dagliga försämringar för oss. Våra protester mot detta är åter igen uppe på dagordningen och det med en allt större tyngd. Varje första maj utgår en maning till internationell arbetarenighet och solidaritet. Nödvändigheten av detta är inte mindre idag, tvärtom.

## Målet

Den omedelbara uppgiften är att organisera arbetarklassens sociala kamp mot nedskärningar och försämringar, arbetarna behöver organisera sig på olika sätt för rätt till arbete, rätt till bostad, vård och skola. Allas rätt till välbefinnande och välfärd. Vi tillsammans kan upprätta ett samhälle utan klassuppdelning, utan skillnader, där produktionsmedlen inte är lika med privat eller statlig egendom. Ett fritt och mänskligt samhälle som grund för allas hoparbetade kollektiva samhällsrikedomar. Varje dag pågår kampen för förbättringar av människors liv och arbetsvillkor. Denna kamp måste utvecklas och organiseras med hjälp av arbetarorganisationer som går hand i hand med kampen för att bekämpa alla hinder, utsugning, misär och fattigdom.

Vi måste avskaffa det kapitalistiska systemet och grunda ett nytt samhälle baserat på ekonomisk och social jämlikhet, politisk frihet och allas åtnjutande av materiell och moralisk välfärd. Det behövs en organisation, samling och forum, ett parti som kämpar för arbetarklassens internationella solidaritet, förstärker och utvecklar arbetarklassens socialistiska rörelse i hela världen och som kämpar för varje grad av förbättringar för människorna i det nuvarande samhället och kämpar för att avskaffa lönearbete.

**Maj 2014**

**Iransk – svenska arbetarsolidaritets kommittén – ISASK**

**Isask@comhem.se**



**Soirée de soutien  
aux travailleurs iraniens**

**شب همبستگی با کارگران ایران**

## Conférence

کنفرانس: «سندیکالیسم، وضعیت تشکلات مستقل کارگری در ایران و شرایط کار در ایران»

بحث و گفتگو با فعالان کارگری ایران و فرانسه

« Le syndicalisme, la situation des organisations  
et les conditions de travail en Iran »

Organisée par

به دعوت سندیکاهای س اف دت، س ایت، اف اس او، سولیدر، اونسا،

**CFDT, CGT, FSU, SOLIDAIRES, UNSA**

**Avec la participation de deux syndicalistes iraniens**

با حضور دو سندیکالیست از فعالان کارگری ایران

دوشنبه 26 مه 2014

از ساعت شش و نیم تا نه و نیم بعدازظهر

Lundi 26 mai 2014

18H30 – 21H30

Bourse du Travail - Salle Jean Jaurès

3, rue du Château d'Eau

Paris 10ème

(Métro: République)

\* **Interventions des représentants des syndicats français**

\* **Débat avec la participation des syndicalistes iraniens**

\* **Film, musique persane,**

\* **Buffet**

ترجمه و پخش از:

همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - فرانسه

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران - پاریس

////////////////////

# بولتن اخبار کارگری

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

جون 2014 - خرداد 1393

شماره 49